

چاپ بیست و هشتم
شمارگان تاکنون
۱۰۰۰۰ نسخه

حریم ریحانه



اولین و تنها دائرة المعارف و اطلس پوشش و عفاف در کشور
نگاهی جامع (درون دینی و برون دینی) به موضوع پوشش و عفاف



يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّزَوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبِيبِهِنَّ

ذَلِكِ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ

وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

(احزاب / ۵۹)

■ ای پیامبر، به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو: «پوششهای خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند (به احتیاط | نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است.

■ زن به دلیل زیبایی ها و جاذبه هایی که دارد ، همواره بیشتر از مرد مورد توجه دیگران قرار می گیرد و اگر در جامعه طوری ظاهر شود که این زیباییها به شکل ارزان و راحت در اختیار دیگران قرار بگیرد، و به شدت این جاذبه ها افزوده شود، آنچه مورد توجه دیگران قرار می گیرد، زیبایی این جذابیتها خواهد بود ولی اگر با پوشش در جامعه ظاهر شود، افراد به بعد انسانی و جاذبه های درونی او توجه خواهند کرد و در واقع انسان بودن زن شناخته می شود و زن مورد آزار قرار نمی گیرد.

تاریخچه پوشش در جهان

تاریخچه پوشش و عفاف

بنابر گواهی متون تاریخی، در اکثر قریب به اتفاق ملت‌ها و آیین‌های جهان، حجاب در بین زنان معمول بوده است؛ هر چند در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های زیادی را طی کرده و گاهی با اعمال سلیقه حاکمان، تشدید یا تخفیف یافته است. ولی هیچگاه به طور کامل از بین نرفته است. مورخان به ندرت از اقوام بدوی که زناشایان دارای پوشش مناسب نبوده و یا به صورت برهنه در اجتماع ظاهر می‌شدند، یاد می‌کنند.

دانشمندان، تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ما قبل از تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند. کتاب «زن در آینه تاریخ» پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب، می‌نویسد: با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار و نقوش به دست آمده پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود، و به این دلایل، عقیده عددهای که می‌گویند «مذهب» موجب حجاب می‌باشد، صحت ندارد. ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است. (شمیم یاس، شماره ۳۲ - عباس رجایی، به نقل از علی اکبر علویقی زن در آینه تاریخ)

پوشش در کشورهای شرقی

آسیا مرکزی



زنان ترکمن

آسیا



زنی از دمشق



زن بوریاتی (لباس برای رفتن به کلیسا)



زنان سارتی



■ بر اساس مجسمه های برجای مانده،
کتیبه ها و نقش برجسته های تاریخی
چنین استنتاج کرده اند که گرما و سرما
عامل اصلی اختیار پوشاک نبوده بلکه
علت آن حیا بوده است.

مجله پیام زن، مقاله انسان، پوشش و
ریشه های تاریخی، ش ۱۹، ص ۶۹



زن و مردی از ارمنستان شوروی



زنهای تاتاری از کازان (روسیه آسیایی)

روسیه

ژاپن



مردان و زنان ژاپن

■ به نظر می رسد از وجود
حجاب در میان دیگر
امت ها و رعایت آن به
گونه ای نزدیک به آنچه
اسلام آورده، می توان
نتیجه گرفت که این سنت
دینی ریشه ای در فطرت
و ساختار وجودی انسان
دارد.
(حجاب آزادی یا اسارت، ص ۳۰۷)





پوشاک محلی روسیه



زن و مردی از کالوگا



فرماندار نامسک و زن کیر قزی



لباس نایستانی زنان در ترشکو

■ اگر تنها سرما و گرما انگیزه
[پوشش] بود، این تفاوتها
[تفاوت پوشش زنان و مردان]
قابل تحلیل نبود.

اسیب شناسی حجاب، ص ۳۵



لباس زمستانی زنان در ترشکو





■ پوشش زن در یونان و روم باستان:

دایره المعارف لاروس درباره پوشش زنان یونان باستان می‌گوید: زنان یونانی در دوره‌های گذشته، صورت و اندامشان را تا روی پا می‌پوشاندند. این پوشش که شفاف و بسیار زیبا بود، در جزایر کورس و امرجوس و دیگر جزایر ساخته می‌شد. زنان فنیقی نیز دارای پوششی سرخ بودند. سخن درباره حجاب در لابلای کلمات قدیمی‌ترین مؤلفین یونانی نیز به چشم می‌خورد. حتی «نیپلوب» (همسر پادشاه عولیس فرمانروای ایتاک) نیز با حجاب بوده است. زنان شهر «تیب» دارای حجاب خاصی بوده‌اند. بدین صورت که حتی صورتشان را نیز با تکه می‌پوشاندند. این تکه دارای دو منفذ بود که جلوی چشمان قرار می‌گرفت تا بتوانند بینند نقش‌هایی که بر جای مانده حکایت می‌کند که زنان سر را می‌پوشانده ولی صورت‌هایشان باز بوده است. و وقتی به بازار می‌رفتند بر آنان واجب بوده است که صورت‌هایشان را بپوشانند. خواه با کمره و خواه دارای همسر باشند. حجاب در بین زنان سایبری و ساکنان آسیای صغیر و زنان شهر ماد (و فارس و عرب) نیز وجود داشته است. زنان رومانیای حجاب شدیدتری برخوردار بوده‌اند. به طوری که وقتی از خانه خارج می‌شدند، با چادری بلند تمام بدن را تا روی پاها می‌پوشاندند و چیزی از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. (همان - به نقل از دایره المعارف القرن العشرين، ۱۹۳۲)

ویل دورانت، تاریخ نویس مشهور نیز شواهد زیادی دال بر وجود حجاب در بین زنان یونان و روم باستان آورده است.

■ او درباره «آلهه عفت» که یکی از خدایان یونان باستان است، می‌گوید: «آرتمیس»، آلهه عفت است و عالی‌ترین نمونه (و الگو برای) دختران جوان به شمار می‌آید. دارای بدنی نیرومند و ورزیده و چابک و به زیور عفت و تقوا (آراسته است)، همان به نقل از ویل دورانت تاریخ تمدن، ص ۵۲۰)

■ همچنین درباره مردم یکی از قبایلی که نهصد سال قبل از میلاد زندگی می‌کردند، آورده است: «آلاتر از ارمنیان و در کنار دریای سیاه، «سکاها» بیابانگردی می‌کردند. آن‌ها مردم درشت اندام قبایل جنگی نیمه مغول و نیمه اروپایی بسیار نیرومندی بودند که در ازل به سر می‌بردند و زنان خود را سخت در پرده نگاه می‌داشتند. (همان ص ۳۳۶)

■ زنان فقط در صورتی می‌توانند خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن‌های مذهبی و تماشای خاتمه حضور یابند که کاملاً در حجاب باشند (همان ص ۳۴۰)

■ همچنین از قول یکی از فلاسفه یونان باستان، درباره شدت پوشش زن، نقل می‌کند: نام یک زن پاکدامن را نیز چون شخص او باید در خانه پنهان داشت. (همان)

زاین



بازمگران زن

■ عفاف و پوشش ملل جهان در گذر تاریخ

یونان باستان ۱۵۰۰- سده اول ق.م

همپتون شالی بزرگ به ابعاد ۱۳۵ @ ۲۷۰ سانتیمتر بود که زنان و مردان آن را به دور بدن خود می پیچیدند (تاریخ لباس، روت ترنر ویل کاکس، ترجمه: شیرین بزرگمهر، ص ۴۱)



«همپتون» شالی بزرگ به ابعاد ۱۳۵ در ۲۷۰ سانتیمتر بود که زنان و مردان آن را به دور بدن خود می پیچیدند (تاریخ لباس، ص ۴۱)



در این دوره مردان پیراهن کوتاه، و زنان پیراهن بلند بپوشیدند.
(تاریخ لباس، ص ۵۹ و ۶۰)



▲ مردم اروپای شمالی نخستین سده های میلادی
در این دوران مردان پیراهن کوتاه، و زنان پیراهن بلندتر تن می کردند (همان، ص ۵۹-۶۰)

زنان دو پیراهن روی هم می پوشیدند، که زیرین آستین بلند و از پارچه پشمی بود و کار زیر پوش را می کرد. دومی بلند و راسته، و دنباله دار با آستینهای بلند و گشاد (همان، ص ۶۰)
روی آنها شتی داشتند که در جلو یا روی یک شانه بسته می شد و روسری که سر و شانه را می پوشاند (همان، ص ۶۰)



۷ تاریخچه پوشش در جهان

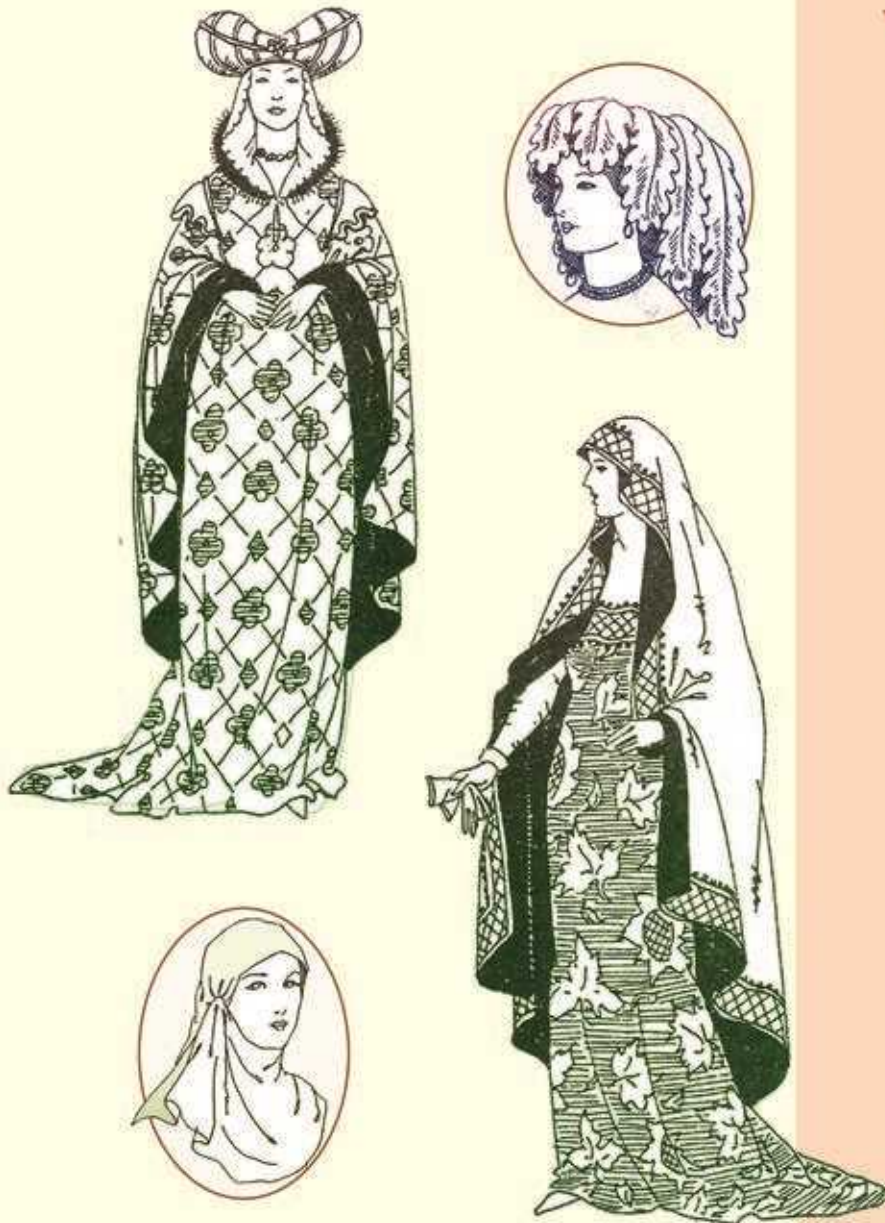


ایتالیا قرون میانه

در ابتدا پوشاک اصلی لیباد بود، تونیک استین بلند که نوع زنانه آن تا روی پا و مردانه آن تا بالای زانو می رسید، روی آن پوشش دیگری می آمد به نام پالیوم به شکل ردا که از روی شانه ها به جلو آمده یا قلاب یا سنجاق سینه بزرگ بسته می شد. (همان، ص ۶۶)

پوشش سر زنان در قرون میانه پارچه ای بود به شکل مستطیل یا نیم دایره که روی سر می انداختند و تا شانه ها و یا پایین تر از آن را می پوشانند، این در واقع نوعی پالای رمی بود به نام (کورشف) یا ویمیل اغلب زنان ثروتمند تاج خود را روی ویمیل، بر سر می گذاشتند. (همان، ص ۶۸)

کلاههای به شکل عمامه، برگرفته از دوران بیزانس، مورد استفاده خانمها ونیزی بود. (همان، ص ۶۹)



رم باستان سده اول قبل از میلاد تا پنجم میلادی

توگا پارچه ای پشمین بود به شکل مستطیل، به پهنای ۲۲۵ سانتیمتر و درازی ۵۴۰ سانتیمتر، که دور بدن پیچیده می شد. (همان، ص ۴۷)

بیزانس سده چهارم میلادی تا قرون میانه

در این دوران به دلیل نفوذ مسیحیت، بدن کاملاً پوشیده می شد. مرد و زن پیراهن های بلند و راسته با آستینهای بلند از ابریشم یا کتان می پوشیدند. (همان، ص ۶۲)

زنان روی پیراهن خود شال بلندی چون پالا، یا استولای رومی بر دوش می افکندند، و گاه نیز آن را بر سر می انداختند. (همان، ص ۶۴)



ایتالیا در دوران رنسانس

تأثیر رنسانس بر لباس مردان بیش از زنان بود. در اوایل دوران، پوشاک زنان بیشتر تحت تأثیر اندیشه‌های مذهبی یا سنتی بود. به دلیل گسترش صنعت چاپ در نیمه سده پانزدهم، مدارک معتبری به دست آمده که می‌تواند راهنمای شناخت دقیق پوشاک آن دوران باشد (همان، ص ۹۹).
مردان از جوراب شلواری تنگ و چسبان، که از کمر تا پنجه پا را در خود می‌گرفت، استفاده می‌کردند. (همان، ص ۱۰۰)



رم و سائنا



فلورانس و پدوا



انگلستان قرون میانه

در اوایل این دوران مردان و زنان انگلیسی همچنان سه لباس اصلی، استولا، یا لباس زیر، بلیاد یا لباس رو، و پالا یا شل، که همگی همان پوشاک اصلی یونانی-رومی بود، می پوشیدند. (همان، ص ۹۱)
مردان با شلق ساده ای بر سر می گذاشتند، در حالی که زنان موی خود را زیر روسری، یا هدریل از جنس پارچه کتان پنهان می ساختند. این روسری، دایره، مربع یا مستطیل بوده و مانند روسری چانه پوش ایرانیان و رومیها، ضمن پوشاندن سر، به تور گردن پیچیده می شد. تاج را در صورت استفاده، روی این روسری قرار می دادند.
در حدود سال ۱۲۰۰، زنان موی خود را در بالای سر جمع می کردند. آنها از چانه بند و ویمپل که هر دو از کتان لطیف تهیه شده بود، استفاده می کردند. (همان، ص ۸۷) ▼



انگلستان در دوران رنسانس

- در زمان شکسپیر زن حق نداشت که روی صحنه بیاید، نقش زنان را پسران بازی می کردند و گاهی تماشاگر عهد الیزابت پسری را در صحنه می دید که در نقش زنی بازی می کند که با جامه پسر یا مردی در آمده است. (ویل دورانت، تاریخ تمدن - ج ۷ - ص ۹۵)
- جامه های بلند زنان، که از پارچه های لطیف ساخته شده دارای طرح پیچیده ای بودند، ساق پاها را می پوشاندند، پوشیدن جورابهای ابریشمی به وسیله ملکه (الیزابت) مرسوم شد و زنها دامنهای را روی زمین می کشیدند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن؛ ج ۷ - آغاز عصر خرد - ص ۶۷)
- زنان تا سال ۱۵۵۰ پوشش عجیبی برای سرشان به کار می بردند، که مانند شیروانی شب دار بود و تمام مو را می پوشاند، گیل بود، یا کتل و یا پدی متال نام داشت. شللهای زنانه بلندی که جلو آن باز بود، و نیز ردهای بزرگ و گشاد با آستینهای پف دار، عرضه گردید. (همان، ۱۵۷)
- چنانچه گویند ماسک سخل سیاه ویژه زنانی بود که دارای مرتبه اجتماعی برتری بودند و به هنگام پیاده روی یا سواری به کار می رفت. (همان، ۱۷۴)





نحبا، قرن ۱۷ و ۱۶

انگلیستان قرن ۱۷

دامنها بلند و یقه دار بودند. آستینها تا آرنج، و با مخ دست بود (همان، ۱۹۲).
در این دوران نوعی لباس سوارکاری عرضه گردید که شامل یک کت بلند که سراسر جلو آن دکمه داشت، دامنی گشاد و بلند (تصویر ۶ از فصل ۲۶) یک نیم تنه یا دایلت که زیر کت پوشیده می شد (همان، ص ۲۳۱).

انگلیس قرن ۱۹

زنان انگلیسی محافظه کار برای اینکه اندامشان از زیر پیراهن نمایان نشود، چندین زیر دامنی از پارچه کتان و ململ با حاشیه های توردوزی می پوشیدند. روی پیراهنهای یقه باز خود، یقه ای متشکل از چندین ردیف تور چین دار یا بتسی یادگار ملکه الیزابت می پوشیدند (همان، ص ۳۰۹).
قد دامن ویژه روز با شب تا مخ پا و با اندکی بالاتر از زمین بود از سال ۱۷۹۶ تقاضا برای پارچه فلانل انگلیسی، به منظور تهیه شال و روسری روبه ازدیاد گذاشت. ویژگی پوشاک این دوره، وجود بالاپوشی گشاد یا ردینگوت از پارچه ضخیم بود و اختصاص لباسهای متفاوت برای موقعیتهای متفاوت بود.
هنگام بازی گلف، بلوز کوتاه، دامن و شل گلف، و یا کت نورفولک می پوشیدند (همان، ص ۳۷۷).





آلمان قرون میانه

پیراهنهای مردانه تا مج پایو زنانه تا روی زمین بود. (همان، ص ۹۳)
در اواسط سده چهاردهم، کت هاردی مردانه عریضه شد؛ با این تفاوت که قد دامن آن بلند و تا روی زمین می رسید. (همان، ص ۹۴)
در آن زمان زنان لوازم آرایش مصرف نمی کردند. (همان، ص ۹۵)



آلمان قرن ۱۸

ویل دورانت در مورد زنان آلمانی در عهد مردیک می گوید: «آواز زنگ» اثر شیلر تصویر کمال مطلوب «یک زن خانه دار» را ترسیم می کند که «بسیار با عفت بود، با عقل و درایت محفل خانوادگی را اداره می کرد، به دختران آموزش می داد، ... کلیه لحظات فراغت را با دوک ریسندگی می کرد» زن تابع شوهر ولی معبود اطفال بود. در خارج از خانه، به جز دربارها، مردان معمولاً زنان را از زندگی اجتماعی خود مستثنی می دانستند.

(ویل دورانت، تاریخ تمدن، روسوو انقلاب، جلد ۱۰، بخش دوم، ص ۶۸۷، ۶۸۶ / عهد فردریک، امپراتورها)





زنان آلمانی



زن دهقان



اشراف



مدیر بیمارستان شهروندی از کلن دختر خدمتکار





لباس جشن و لباس زمستانی



لباس تشریفاتی زنان



سونیس



ماری ملکه اسکاتلند

اسکاتلند و انگلیس

جامه های بلند زنان ، که از پارچه های
طیغ ساخته شده دارای طرح
پیچیده ای بودند، ساق پاها را می پوشانند،
پوشیدن جورابهای
ابریشمی به وسیله ملکه (الیزابت) مرسوم
شد و زینها دامنهای را روی
زمین می کشیدند. (تاریخ تمدن ،
ویل دورانت، ج ۷، آغاز عصر خرد، ص ۶۷)

نروژ و دانمارک



نجیب زادگان



هلند

پوشش زنان و مردان همیشه متفاوت بوده و زنان از پوشش بیشتری استفاده می کردند. اگر تنها سرما و گرما انگیزه بود، این تفاوتها قابل تحلیل نبود. (اسیب شناسی حجاب، ص ۲۵)



اسپانیا در قرون میانه

نمونه های اولیه لباسها ساده از دو قطعه تشکیل یافته بود. یکی بلند تا مچ پا، راسته و بدون آستین، که گاندورا نام داشت. و دیگری که روی آن پوشیده می شد، گشادتر، با آستینهای بلند و قراخ و کمربند. پیراهنی نیز متصل می گردید. مجموع این دو پیراهن برنوس خوانده می شد. امروز نیز مورد استفاده عربهاست. مرد و زن همراه با پیراهنها، شلوار نیز می پوشیدند. ردا، یا منشا ایرانی، به پوشاک مردان افزوده شد. ردا آستینهای تنگ و بلند داشت، که گاه تا زانو می رسید قد آن متفاوت بود و اغلب دستاری روی آن بسته می شد. این ردا، شلوار هم می پوشیدند. زنان دامنی پر چین و کوتاه تا زانو، و زیر آن، شلوار می پوشیدند. چادر بزرگ می پوشیدند؛ چادری که تنها شکافی برای دیدن داشت. پوشاک مسیحیان اسپانیایی قرون میانه شبیه مردم ایتالیا بود. (همان، ص ۱۳۸)



اسپانیا در سده شانزدهم

در زمان فیلیپ دوم که به سال ۱۵۵۶ به تخت نشست، عفاف و عصمت زنان نه تنها به وسیله مذهب و قانون، بلکه به وسیله شرافت حفظ می شد. زنان عقیف مانند زنان مسلمان تقریباً در انزوا و عزلت به سر می بردند. دور از مردها غذا صرف می کردند و بندرت همراه آنان در انتظار ظاهر می شدند. و هنگامی که از خانه قدم بیرون می نهادند، در کالسکه های در بسته می نشستند. خواستگاراها در میان کوچه برای دوشیزگان که پشت پنجره های مشبک بودند نغمه سزایی می کردند و بندرت اجازه دخول در منازل آنها را به دست می آوردند. مگر آنکه پدر و مادر هر دو طرف به توافق رسیده باشند. (تاریخ تمدن، فصل دهم، عظمت و انحطاط اسپانیا، ص ۳۲۵-۷)

زیر دامنی چتری، باب روز بود و اندام به ویژه از کمر به پایین در آن چندان مشخص نبود (همان، ص ۱۳۳)
داشتن حجاب که از دوره مسلمانان در اسپانیا متداول شده بود، کم و بیش در انتظار عموم رعایت می شد. (همان، ص ۱۵۰-۱۵۱)





«علیا مخدرات» (همه زنان علیا مخدوره بودند) همه چهره خود را به استثنای چشم‌ها از مردان می‌پوشاندند و پاهای خود را چنان محجوبانه از انظار پنهان می‌داشتند که اگر عاشقان می‌توانستند لحظه‌ای آن‌را ببینند، یکی از شور انگیزترین آرزوهای خود را برآورده می‌دیدند.

(تاریخ تمدن، فصل دهم، عظمت و انحطاط اسپانیا ص ۳۲۵، ج ۷)
زنان در تماشخانه‌ها حضور می‌یافتند ولی در قسمت مخصوص می‌نشستند و صورت خود را با تور می‌پوشاندند
(تاریخ تمدن، عصر طلایی ادبیات اسپانیا، فصل ۱۱، ص ۳۶۱)



فرانسه قرون میانه

در اوایل قرون میانه مردان و زنان فرانسوی همچنان لباسهای طرح رومی را که شامل دو پیراهن و یک شل بود می پوشیدند. زنان انتهای شل خود را با دست می گرفتند و یا به دور بدن خود می پیچیدند (همان، ص ۷۵).
در سده پانزدهم، سر پوش عمامه ای شکل نیز مورد استفاده قرار گرفت، که موها را می پوشاند و تشکیل شده بود از عمامه های تو پر، که گاه به شکل قلب ساخته می شد. و روی ویمیل بر سر می گذاردند (همان، ص ۷۸).



فرانسه در دوران رنسانس

دو نوع شل وجود داشت که هر دو قراخ و دارای حلقه آستینهای گشاد بود. (همان، ص ۱۱۳)
مردان موی خود را دور تا دور، در امتداد خط چانه بلند می کردند. زنان، به شیوه ایتالیایی و شبیه به حضرت مریم، موی خود را از میان سر باز، و در پشت گردن می بستند؛ و روی آن با شلفی که برگه هایی در کناره ها و پشت داشت بر سر می گذاشتند. مو اغلب در کیسه ای ابریشمی پنهان می ماند. زنهای اشراف شلفی از پارچه مرغوب داشتند که به دور اندام خود می پیچیدند، و با قلاب، تسمه و زیانه یا سنجاق سینه، آن را در جلو گردن می بستند. (همان، ص ۱۱۴)
ماسک مخمل سیاه با آستر ساتن سفید مورد استفاده زن و مرد بود. زنها در خارج منزل، و در تئاتر برای پنهان ساختن هویت شان بر چهره می زدند. ماسکی که نیمی از چهره را می پوشاند نیز متداول بود. نوع تمام چهره دکمه ای در پشت داشت که آن را با دندانها نگاه می داشتند تا ماسک بر چهره بماند. (همان، ص ۱۱۹-۱۲۰)
زنان به هنگام سوار کاری، در زیر پیراهن خود نوعی دابلت و همچنین شلواری کوتاه و پف دار می پوشیدند که کال سان نام داشت (همان، ص ۱۲۹)

در نیمه دوم سده شانزدهم تمام زنان خوش پوش اروپایی از یک نوع ردا استفاده می کردند؛ ردای بلندی تا لبه پایین دامن، یقه دار، با آستینهای کوتاه پف دار، که فقط یقه آن با قلابی بسته می شد. (همان، ص ۱۳۱)





فرانسه قرن ۱۷

در زیر دامن گشاد پیراهن، که تا روی زمین می رسید، یک زیر دامنی چتری نه چندان بزرگ پوشیده می شد. هنگام سوار کاری و یا پیاده روی بر چهره خود ماسک می زدند. (همان، ۲۰۴)

دامنها بلند و پر چین بود و نوعی رودامنی به نام (مانتو) روی آن پوشیده می شد. (همان، ۲۱۰)

زنان برای آنکه راحت بر اسب بنشینند، دامنی پوله دار می پوشیدند. (همان، ۲۲۲)

به دنبال حکمی که ریشلیو، مرد نیرومند مذهب و سیاست فرانسه، در سال ۱۶۲۵ نمود، لباسها به مراتب ساده تر از گذشته شد.

(همان، ۱۷۸)

شل نسبتا بلند به صورتهای گوناگون روی شانه انداخته و آن را مانتو می نامیدند. (همان، ص ۱۸۱)

فرانسه قرن ۱۸

از سال ۱۷۵۰ تا ۱۷۷۰ وقار بیشتری در آنها به چشم می خورد. پوشاک سوار کاری زنان، مانند پوشاک مردان، شامل کت، جلیقه، همراه با دامنی گشاد روی پنی بر، کلاه سه گوشه، یا تری کورن پوشیده می شد. (همان، ص ۲۴۱)

انواع مانتیلا، شالهایی بزرگ شبیه به ردا یا حاشیه های چین دار مورد استفاده بود. به نظر می رسید که استفاده از شال در سالهای دهه ۷۰ این حکومت، رایج گردید. نوع تابستانی آن کوتاه و زمستانی آن بلند بود. برخی از آنها سوراخی برای بیرون آوردن دست و بعضی، سرپوشی از پارچه نرم داشت. نوع بلند زمستانی آن که مانتو نامیده می شد سراسر جلوی آن یا دکمه بسته می شد. نوع تابستانی مانتیلا، یا مانتل، روی سر انداخته و به حالت آزاد در جلو گردن بسته می شد. و یا دو سر آن از روی سینه به شکل ضربدر به پشت سر برده شده و به هم بسته می شد. (همان، ص ۲۴۲)

ماکارونیها گروهی از جوانان بی بندو بار انگلیسی بودند. که پس از بازگشت از سفری سیاحتی در ایتالیا، باشگاه ماکارونی را در انگلستان بنیاد نهادند، و از آن پس لباسهایی که شکل و طرح افراطی و یا غیر متفاوت داشت، به آنها منتسب گردید (ص ۲۵۲)

روپوش زنان، انواع کلاه، باشلق، و عمامه از پارچه های تور و کرب بود. باشلق به سر پوشی اطلاق می شد که با برگه یا بند در زیر چانه بسته شود. (همان، ص ۲۷۷)

زنان زیر لباس خود، زیر پوش، زیر دامنی و جوراب بلند می پوشیدند.

بالاپوشی بلند با چندین لایه شل سرشانه بود که برش همانند برش پیراهن داشت. (همان، ص ۲۸۵)



در زیر دامن سوارکاری، شلواری چسبان از تریکو، تا روی پنجه پا، پوشیده می شد، که در پایین آن تواری دوخته شده بود که از زیر کفش می گذشت. (همان، ص ۳۹۹)
 قد دامن بلند تا مچ پا و یا تا روی زمین بود پنج تا شش زیر دامنی در زیر دامن اصلی پوشیده می شد.
 در سالهای دهه ۴۰، همراه با لباس شب، روسری شرقی را به شکل عمامه به دور سر می پیچیدند. (همان، ص ۳۳۳)
 لباس سوارکاری زنان شامل کت و دامنی بود از پارچه دودی موسوم به لندن سموک دامن، بلند و پر چین، و کت، کوتاه، زیر کت پیراهنی پوشیده می شد. زیر دامن، چندین زیر دامنی، و همچنین شلواری از کتان لطیف سفید با چینهایی به عرض ۵ سانتیمتر در دم پا پوشیده می شد. در این دوره برای نخستین بار کت و دامن زنانه به بازار آمد. (همان، ص ۳۳۴) ▼



فرانسه قرن ۲۰

کت و دامن پوشیدن در خیابان اختصاص یافت. (همان، ص ۳۹۸)
از همان سال به بعد دامن‌ها کوتاه تر شد تا به زانو رسید و این امری بی سابقه در تاریخ پوشاک به شمار می رفت.

(همان، ص ۴۱۹)
در این دهه طرح لباسها چنان بود که اندام صاف و بدون برجستگی می نمود. (همان، ص ۴۲۰)
زنان سوارکار شلواری می پوشیدند بلند تا مچ پا که تا زانو گشاد و از زانو به پایین تنگ بود و به درون چکمه فرو می رفت.



برهنگی به بهانه پیشرفت

سال ۱۹۴۷ و جلوه های نو

در دوران جنگ جهانی دوم برای صرفه جویی در مصرف پارچه و راحتی در حرکت قد لباسها کوتاه بود. (همان، ص ۲۴۷)
در سال ۱۹۵۰ شلوار برمودا که مردان انگلیسی از آن در مناطق گرمسیری استفاده می کردند، متداول گردید و در سال ۱۹۵۳ به آمریکا راه یافت و در کنار دریا، مناطق گرمسیر و حتی در شهر نیویورک به هنگام تابستان مورد استفاده قرار گرفت (همان، ص ۲۸۲)
از زمانی که «کلارک گیل» هنر پیشه آمریکایی، در یکی از فیلمهای سالهای دهه سی، پیراهن خود را از تن بیرون آورد و تماشاگران دیدند که او زیر پیراهن بر تن ندارد، پوشیدن زیر پوش در میان جوانان متداول گردید. (همان، ص ۲۸۳)



منابع این فصل:

۱. کتاب زن در آینه تاریخ، علی اکبر علایقی
۲. تاریخ تمدن ویل دورانت، جلدهای ۷، ۹، ۱۰
۳. تاریخ لباس، روت کانکس، شیرین بزرگمهر



تاریخچه پوشش در ایران

مقدمه

تجلیات پوشش در میان زنان ایران چنان چشمگیر است که برخی از اندیشمندان و تمدن نگاران، ایران را منبع اصلی ترویج حجاب معرفی کرده اند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۷۸)

انسان در آغاز برای پوشاندن بدن خود از چیزهای طبیعی استفاده می کرد. نخستین بار حضرت آدم و حضرت حوا برای پوشاندن برهنگی های بدنشان از برگ درختان استفاده کردند شکارچیان عصر یخ در ۲۵ هزار سال پیش، با به هم دوختن پوست جانوران خود را گرم می کردند. (کتاب کلید دانش ص ۱۹۶-۱۹۷)

"مودودی" به شدت به افرادی که می پندارند انسان های نخستین نیز همانند حیوانات به صورت عریان زندگی می کردند و زنان در آن هنگام حجاب نداشته اند، می تازد و چنین می نویسد: «آنها تصور کرده اند که فطرت انسان نیز همانند حیوانات است» (مودودی، الحجاب ص ۱۴۰، حجاب اسارت یا آزادی، ص ۱۰۲)

شهید مطهری می گوید: قبل از اسلام، در میان بعضی ملل حجاب وجود داشته است. در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است. (کتاب حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۵)

فرهنگ حجاب و پوشاندن بدن برهنه، فرهنگی است که از زمانهای باستان تاکنون پاییده است و هرگاه ما عمیقاً به پیشینه ی تاریخی و فرهنگی خود مراجعه نمائیم ملاحظه می کنیم که فرهنگ درست پوشاندن تن و بدن، متناسب با اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی مساله ای است که نیاکان ما به آن می اندیشیده اند و در باور آنها تخیلی از این فرهنگ گناهی بزرگ محسوب می شد.

"استرابون" می نویسد: «ایرانیان اگر بخشی از بدنشان برهنه باشد آن را بی شرمی می دانند و همیشه لباس بلند می پوشند؛ بیشتر مردم قبیای می پوشند که تا ساق پا را می پوشاند.» (تاریخ اقوام ایرانی، ص ۱۲۳)

در مهر بسیار ظریف و زیبا که در موزه لوور پاریس موجود است ملکه ای با لباس و تاج و جادر زنان هخامنشی بر مسند شاهانه ای تکیه زده و یاهایش بر روی چهار پایه ای کرسی مانند قرار دارد. (اقوام ایرانی ص ۱۲۰)

ایرانیان نخستین کسانی بودند که کت استین دار و نوعی شلوار ابتدایی برای سوارکاری طراحی کردند. زنان ایرانی پیش از اسلام حجاب داشتند؛ ولی حدود حجاب اسلامی، پس از اسلام رایج شد. زنان مسلمان عرب از پوششی به نام (جلباب) استفاده می کردند که شبیه روسری بلندی بود که تا کمر را می پوشاند؛ اما ایرانیان جادر را ترجیح دادند که سنت دیرین آنان بود. زنان در ایران باستان خارج از منزل، لباس گشاد بر تن می کردند یا جادر بر سر می کردند؛ دوره های پیش از اسلام داشتن پوشش روی سر، به صورت های عمامه، دستار، کلاه و تاج در بین مردان و روسری، چارقد، جادر، مقنعه و لچک در بین زنان، متداول بود. البته در هر دوره، شکل و نوع این پوشش تغییر کرد. (کتاب کلید دانش ص ۱۹۶-۱۹۷) حجاب سخت و شدیدتری در ایران باستان حکمفرما بود حتی پدران و برادران نسبت به زن شوهر دار نامحرم شمرده می شده اند. (کتاب حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۶)



پوشش ایرانیان پیش از پارسیان

"جیمز لور" می نویسد: «در نقش برجسته هایی که در نیتوا یافت شده است چهره ی زیبا به ندرت دیده می شود. گو اینکه لباس مردان فراوان در این نقش برجسته ها به چشم می خورد؛ اما برخی مجسمه های خدایان زنده یافت شده اند که ردهای چین دار بلندی به تن دارند؛ دانستن این نکته جالب است که به موجب قانونی که حدود هزار و دویست سال قبل از میلاد وضع شده بود زنان شوهردار آشوری مجبور بودند در ملأ عام نقاب (روبنده) به چهره داشته باشند و این قدیمی ترین سابقه عرفی است که در آن تواخی پاییده است.»

تن پوش آزاد (بدون فرم و ساده و در حقیقت بدون دوخت) مانند تن پوش مصری ها، آشوری ها، رومی ها و یونانی ها نشانه ای از بزرگی و تمدن در آن دوره بوده است و تن پوش های چسیان و دوخته شده نوعی توهین و بی تمدنی و ابتدایی تلقی می شده است. حتی رومی ها کسانی را که تن پوش قالب تن می پوشیدند مجرم شناخته و برای آنان مجازات اعدام قایل می شدند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۲)

تن پوش بلند زنانه،
لباس سلطنتی، تللو،
موزه لوور پاریس



تصویر برجسته صخره ای کورنگان،
کوه های یخچای، از روی کتاب
هنر در جهان



مجسمه زنی که می گویند
باید عشتار باشد.

خدای ایلامی، شوش، از روی
کتاب مجموعه موزه لوور



مجسمه بانوی ایرانی



لباس دو زن اسیر آشوری، دوره آشور
نصیر بال، طراحی از روی لباس مصر قدیم،
بین النهرین و ایران، ماری، ج. هیستون





پوشش در دوران مادها

پیراهن مادها، پوشش بلندی بود که تا زانو می رسید. این پیراهن دارای آستین بلندی است که با ملایمت از سرشانه، به سوی مچ دست تنگ شده چسبان و اندکی چین دار می شود. شلوارها، یک راسته بوده و تا مچ پا و روی کفش می رسیده است. این شلوار که از بالا به پایین به تدریج به تنگی گراییده است بر مچ آن نواری است که بر روی جلوی دهانه کفش، گره دار شده و دم پای شلوار را جمع و تنگ می کند. مردم ماد طبق نقوش سنگی تخت جمشید شلی دارند که مستطیل است و قد آن از جبه بلندتر است و تا نزدیک مچ پا می رسد. بر دو گوشه بالای شل دو بند تعبیه شده که در جلوی سینه به هم گره زده می شده است. این شل در اغلب نقوش تخت جمشید بر دوش قوم ماد به چشم می خورد. طبق نقوش برجسته و مجسمه های قبل از میلاد، پوشاک زنان آن دوره (مادها) از لحاظ شکل با کمی تفاوت با پوشاک مردان یکسان بوده، مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود داشته از هم تمیز داده می شدند. (حجاب آزادی یا اسارت ص ۷۹)

پوشش در دوران پارس ها (هخامنشیان)

در کیش آریایی زنان محترم، محبوب بوده اند؛ زنان محترم ایرانی برای حفظ حیثیت طبقه ممتاز که آنان را از زنان عادی و طبقه چهارم امتیاز می دهد، صورت خود را می پوشانند و گیسوان خود را پنهان نگه می داشتند (ویل دورانت؛ حسن صدر، حقوق زن در اسلام، اروپا ص ۷ و ۱۵؛ حجاب اسارت یا آزادی ص ۷۸) در زمان داریوش، زنان طبقات بالایی اجتماع، جرأت نداشتند که جز در تخت روان روپوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی شد که آشکارا با مردان رفت و آمد کنند. زنان شوهر دار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد ببینند. در نقش هایی که از ایران باستان بر جای مانده است صورت هیچ زنی دیده نمی شود و نامی از ایشان به نظر نمی رسد. (حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۸؛ ویل دورانت تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۵۵۲) حداقل در ابتدای دوره هخامنشی، ملکه های پارس از انتظار به دور بودند. پلوتارک در شرح پادشاهی اردشیر (۴۰۴-۳۵۹ ق.م) می نویسد که ملکه استاتیرا مورد علاقه عامه مردم بود، چرا که پرده های کالسنه وی همواره بالا زده می شد. بنابراین عموم زنان اجازه ملاقات و دیدار او را داشتند. (پوشاک در ایران زمین ص ۲۲۲)

اخیراً در مقبره های پازیریک واقع در اتحاد جماهیر شوروی سابق قطعه فرش کوچکی مشتمل بر مربع هایی بدست آمده که یکی از مستشرقین روسی بنام روتنکه آن را متعلق به عهد هخامنشی می داند.

این فرش ظریف که هر سانتیمتر مربع آن از یکطرف دو گره و از طرفی دیگر بیست و چهار گره است نشان می دهد که زنان آن عهد چهره خود را نمی پوشانند ولی چنانکه این فرش نشان می دهد زنان آن عهد از پارچه شل مائندی که روی سر می انداخته و حالتی شبیه به چادر داشته است، استفاده می کردند. (پوشش زن در گستره تاریخ، طحیه پارسا، ص ۶۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۰-۱۳۱)

پارس ها از نظر لباس مانند مادها بودند. کورش، لباسهای مادی را به خصوص از این جهت که عیب پوش بود اقتباس کرده بود. پس کوروش لباس کوتاه و تن نما را نمی پسندیده و لباس قومی او نیز همان لباس پارسی چین دار بوده و آن را بلند می گرفته اند. پیراهن آنان پوششی ساده و بلند یا دارای چین و آستین کوتاه است و به زنان دیگر از آن دوره نیز برمی خوریم که اینان چادری مستطیل بر روی همه لباس خود افکنده اند. (علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی (انتشارات یاقوت ۱۳۷۸)، ص ۱۰۴، ۱۱۵؛ حجاب اسارت یا آزادی، ص ۸۰)

سر پرسی سایکس در مورد پوشش پارسها چنین می نویسد: طبقات عالیه نسوان خود را از انتظار عمومی مخفی نگه می داشتند در مسافرتها برای آنان تخت روان به کار می بردند که اطراف آن را پرده ها مستور می داشت و در کتیبه ها و حجاریها هیچ وقت تصویر زن دیده نمی شود. (تاریخ ایران، ج ۱ ژنرال سر پرسی سایکس، ص ۲۲۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۱)

مردان پارسی مانند زنانشان از تمایش بدن برهنه خود احساس شرم می کردند و جز دو دست، نمایش برهنه هر یک از قسمتهای بدن را خلاف ادب می شمردند از این رو سر تا پای آنها با سربند و کلاه و ردا و پاپوش (شلوار یا جوراب شلواری و کفش) پوشیده می شد حتی در زیر لباس فراخ و برجین شان لباسی سفید که شامل یک نیم شلواری سفید (شورت کوتاه) همچنین یک پیراهن سفید چسبان بود می پوشیدند که طبق نوشته های استرابون از پارچه نرم و سفید چسبان بوده است. این همانند نیم شلواری بوده است که به قول استاد ذکا، در میان آشوریان به نام شلوار پاکدامنی (عفت) رواج داشته است. زنفون در وصف لباس کوروش هنگام رفتن به پرستشگاهی در بابل می نویسد: او یک نیم شلواری در زیر قبایش پوشیده بود که رنگی تند داشت. بنابر این پوشش زیر تن پوش پارسها همیشه سفید نبوده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۲۴)





■ صحنه ضیافت کنده شده بر صفحه ای از جنس عاج برگرفته از دمنریاس



■ زن اسب سوار



■ زن اسب سوار



■ نقش بانوی یارسی بر روی مهر آن دوره (از کتاب پوپ)



■ زوج ایرانی



■ بانوان سلطنتی



■ صحنه ضیافت کنده شده بر صفحه ای از جنس عاج برگرفته از دمنریاس





■ نقش برجسته خدمتگذار پارس



■ سنگ گوهرنشان از سنگ یمانی آبی رنگ
موزه اشمولین، آکسفورد



■ سربوخی زنانه، برگرفته از گورگان،
پازیریک



■ زنان هخامنشی یا چادر، پارچه پشمی از
پازیریک، از روی کتاب گنجینه های
گمشده ایرانی، ولادیمیر لوکونین و
انتولی ایوانف



■ تندیس کوچک برنزی، نهالوند، احتمالا تن پوش
یک الهه زن را می نمایاند، سده اول تا دوم پ.م.
موزه ملی بران، تهران، کتاب شکوه ایران



■ صحنه ضیافت، برگرفته از تابوت سنگی ساتراپ
موزه باستان شناسی استانبول



پوشش در دوران پارتها (اشکانیان)

زنان پندرت در حجابهای پارتی به تصویر کشیده شده اند. ظاهراً لباس اصلی آنها مرکب از تن پوشی است پر چین و بلند با کمربندی در ناحیه کمر که بر روی قوزک پاها با چینهایی ظریف و قراوان می افتد. این جامه از توتیک گشاد مردانه، فقط از روی بلندی اش قابل تشخیص است. جزء دیگر جامه زنان پوششی بود که عقب سر را می پوشانید. چنین پوششهایی در سر تا سر خاور نزدیک و کرانه اژه از دوره هخامنشی تا دوره پارت ها رواج داشته است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۷۹)

در این دوران گاهی زنان با اشارپ هایی که دور سرشان پیچیده شده و روی شانه هایشان افتاده به تصویر کشیده شده اند. (پوشاک در ایران زمین ص ۱۶۴)

همه زنان ایرانی بالاخص در تبریز، ردهای مردانه را از روی سر می پوشیدند که تمام اندامشان را می پوشانید. اینها ردهایی بودند از جنس ابریشم، انواع پارچه های جگری، پارچه های پشمی، مخمل و پارچه هایی از طلا... (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۰)

زنان با تن پوشهای بلندی که جلوی تن را پایین پا آمده، دیده می شوند؛ با آستینهایی که برش و اندازه آنها متغیر است و حداقل یک لایه با شاید هم بیشتر از یک پوشش بر روی آن قرار گرفته است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۶)

بسته به پیش زمینه و موقعیت اجتماعی، سر با یک حجاب ضخیم سفید یا شفاف که تا پشت بدن، پایین می افتاد، یا به شیوه باشلق و کلاه باری، یا شالی سبک تر یا رنگ تیره که به دور سر، گردن و شانه ها پیچانده می شد، پوشانیده می گردید. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۶)

گاهی اوقات یک شال اضافی نشان داده شده، که به صورت دستمال گردهای سفید یا رنگی در پشت سر بسته شده و تا پشت پاها می افتاد یا آنکه ظاهراً توسط یک قطعه منجوق یا جواهر در زیر چانه محکم می شد. بعضی وقتها نیز نوعی روسری باد بزن شکل، که ظاهراً در جلو گره می خورد و سپس روی گردن می افتاد، دیده می شود. (پوشاک در ایران زمین، ص ۱۸۸)

زنان پارتی با شلوارهای چین دار و پیراهن های دراپه دار و بلندتر از توتیک مردان و کلاه ها و تاج هایی که بسیار متفاوت با دوران قبل از خود بود و جادر به صورت کامل آن در قرن اول میلادی در نقوش باقی مانده از این دوران مطرح می شوند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۸۹)

این حقیقت که زنان خاندان سلطنتی در کالاسکه های پرده دار حمل می شدند در مضامین حکایتهای ادبی فارسی ریشه دارد و مشهورترین این مضامین، داستان ویس و رامین، با ارائه اسناد تاریخی از عصر پارت ها است. در این داستان ویس نه تنها در پشت پرده نشست، بلکه نقابی نیز بر صورت دارد. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۲۲)

چادر زنان اشکانی

چادر در قسمت پشت سر به کلاه بلند و مخروطی شکل و مطبقی وصل می شده است که مانند تور عروس از پشت سر آویزان بود؛ زنان اشکانی در پوشش سر و استفاده از چادر بسیار پیشرفته تر از زنان هخامنشی بودند؛ و کلاه عمامه وار آنان تقریباً بیش تر موهای آن ها را می پوشانید.

استاد ضیاء پور می نویسد: «چادرهایی که در مجسمه ها و نقش ها بوده، پارچه ای مستطیل شکل که به صورت استوانه ای در می آورده اند، بوده است.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۲)

چادر زنان اشکانی به رنگهای ارغوانی و سفید بوده است. مجسمه اشکانی زنی از یالمیر در موزه دمشق، پوشش زنان این دوره را به وضعی بسیار روشن نشان می دهد. این بانو نشسته و چادری او را پوشانده است. نقاشیهایی که بر دیوار معبد زئوس شهر دورا اوروپوس در بین النهرین کشیده اند مربوط به اشکانیان است و عده ای را با لباس مخصوص در حال برگزاری مراسم مذهبی نشان می دهد در آن میان زنان را نیز ساخته اند که پوشش آنان با رنگ آمیزی هایش مدرکی جالب برای شناسایی بیشتر با لباس بانوان آن عهد است. در این نقاشی ها زنی را نشان می دهد که چادری ارغوانی و بزرگ به سر افکنده که سرتاسر بدنش را پوشانیده است. زنی دیگر بر این دیوار نقاشی کرده اند که روی پیراهن ارغوانی خود چادری سراسر سفید پوشیده و بر روی آن یک تکه پارچه ارغوانی افکنده است. (پوشاک باستانی ایرانیان، جلیل ضیاء پور، ص ۲۰۱؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۳-۱۳۲)

بانوان پارچه ای را همچون شل از روی دوش های خود می آویختند و یا از آن مانند چادر استفاده می کردند و گاه آن را مانند آنچه که اکنون در میان قاسم آبادی ها معمول است به دور کمر خود می بستند. سر بند زنان مانند سر بند و شمله های کنونی زنان کرد و لر بسیار بزرگ بود. چادرها معمولاً به صفحه ای فلزی نقش دار در روی شانه یا جلوی سینه، بند می شده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۲)

تن پوش زنان پالمیری به گونه ای دیگر بود؛ آنها پیراهن زبری را با آستین های گشادتری انتخاب می کردند که یقه آن از زیر گردن بند های چسبیده به گردن، پیدا بود ولی پیراهن رومی بسیار پر چین بود و چادر قسمت های بیش تری از بدن را پوشش می داد. کفش ها بسیار ساده بود ولی در ترین کلاه و پیراهن ها دقت بیشتری داشتند کلاه عمامه وار آنها مزین به جواهرات قیمتی بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۱۹۳)



نقاشی دیواری معبد زئوس
در دورا اروپوس،
زن پارسی با جادر و کلاه



مجسمه زنی یا شلیته و پیراهن نیمه بلند



سکه پلاش دوم و ملکه



مجسمه زنی
به نام اوبال از شهر هاترا



مجسمه سربنی الهه مادر



مجسمه پرنسس واشفاری (دختر اشک دهم)
موزه بغداد



پوشش در دوران ساسانیان (قبل از اسلام)

حاصل پژوهش و بررسی بشقابهای نقره نشانگر این است که چادر برای زنان ساسانی از عناصر مهم پوشش زن و سر بوده است که به صورت گوناگونی آن را مورد استفاده قرار می دادند. گاهی آن را مانند زنان روستایی ما به دور کمر یا پایین تر می بستند (کوزه موجود در موزه ارمیتاژ که تصویر زنی را با لباس حریر نشان می دهد که چادری بر روی کمر بسته است) و یا مانند بالاپوش، بر روی دوش خود می انداختند؛ بلندی چادر تا وسط پا می رسید البته در طاق بستان در صحنه شکار گراز سرپند ها و دستارهایی نیز بر سر زنان نوازنده جنگ مشاهده می شود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۲۳)

باید دانست شل نیز که به عنوان بالاپوش از عناصر مهم پوشاک زنان ساسانی از نظر اجتماعی محسوب می شد، شبیه چادر بود و ما آن را بر دوش آنها تا به عنوان یک مقام والا و حیات بخش در طاق بستان مشاهده کرده ایم. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۲۴)

در کتاب «تمن ساسانی» چنین آمده است: حتی لباس هنر پیشگان زن، مانند لباسهای بلند سایر بانوان تا پشت پا کشیده شده است. (علی سامی، تمن ساسانی ج ۱، ص ۱۸۶)

بلندی دامن پیراهن ها به قدری بود که مانع دین کفش می گردید. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۲۵)

چادر زنان عهد ساسانی

زنان عهد ساسانی گاهی چادری گشاد و پرچین به سر می کردند که تا وسط ساق پا می رسیده است نقوشی که از بانوان ساسانی در بشقاب های نقره ای ساخته شده نشان می دهد که هر یک از بانوان چادری به خود پیچیده اند.

در این دوره که احکام دینی زرتشتیان در کشور اعمال می شده است، زنان همچنان دارای حجاب کامل بوده اند. در مورد پوشاک زنان این دوره چنین آمده است: چادر که از دوره های پیش (از زمان پارسی ها به بعد) مورد استفاده بانوان ایرانی بوده است، در این دوره نیز به صورتهای مختلف مورد استعمال قرار گرفته است. (پوشاک زنان ایرانی، جلیل ضیاءپور، ص ۱۱۴)

متون کلاسیک فارسی، اشارات زیادی دارد که طی آن زنان دوره های مختلف و نیز طبقات گوناگون اجتماعی، پوشیده با چادر یا سایر اشکال پوشش سر، معرفی می شوند. مثلاً، زمانی که مکالمه شیرین با پادشاه جدید و ناپسندی اش، شیرویه، به پایان رسید، شیرین چادر خود را بر می دارد تا ثابت کند این زیبایی اش بوده که شاه فقید، خسرو پرویز را مسحور خود ساخته است - چهره ای که تا آن لحظه توسط دیگران رویت نشده بود - و نه چیز دیگری.

حجاب محدود به زنان نمی شد، بلکه پادشاهان ایرانی نیز حجاب داشتند. ابن اسحاق (حدود ۱۵۰ ق. ۷۶۷ م.) در سیره خود نقل می کند که خسرو انوشیروان (۵۳۱-۷۳۴ م.) برای استقبال از زویزن (zuyazan) یعنی، با حجاب وارد تالار شرفیایی گردید و تنها وقتی که بر روی سر پیر پادشاهی و زیر تاج آویخته جلوس کرد، حجابش را کنار زد. خسرو پرویز نیز زمانی که به خانه یعنی جایی که طی آخرین روزهای حیاتش محبوس بود، آورده شد حجابی بر سر داشت. (پوشاک در ایران زمین، ص ۴۲۲)

پوشش در دوران ساسانیان (بعد از اسلام)

پس از فتح ایران توسط عمر دختران کسری پادشاه ایران، حتی پس از اسارت حاضر نشدند رویوش صورت خود را بردارند بلکه علی رغم فریادهای خلیفه وقت، عمر، از کنار زدن آن خودداری نمودند. (حجاب ازادی یا اسارت، ص ۳۹، رک حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۲)

در دوره اسلامی، چادر یا چادر به شکل تن پوش رویی، بی استین، گشاد و محیط بر بدن، توسط زنان در ایران با توجه به ضوابط پوشاک اسلامی، انتخاب گردید. این پوشش در عربی (ملحف) یا (ملحفه) نیز نامیده می شود. حجاب در بین زنان ایرانی پیش از اسلام متداول بوده است و ممکن است برخی فشارهای اعمال شده بر آنها در اوایل دوره اسلامی نمودی از تداوم رسوم پیش از اسلام بوده باشد. چادر صرفاً به عنوان یکی از انواع تن پوشهای مورد قبول بر اساس معیارهای اسلامی بوده و همواره شکل یکسانی نداشته است. آثار ادبی، این احتمال را می رساند که چادر در اصل روبنده یا تن پوشی بوده که کل بدن و صورت را در بر می گرفته است (آیات فردوسی و استاد اسدی در دهخدا ذیل چادر). ظاهراً چادر روزگاری از دو قسمت بالایی و پایینی تشکیل می شده و اکثر مواقع از پشم دوخته شده است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۴۲۵)

ملکه آرمیدخت با تاج و چادر،
از روی کتاب مشرق زمین در
شعر، هنر و زندگی



مجسمه آناهیتا در طاق بستان کرمانشاه





پیراهن زنان ساسانی، بیشاپور موزائیک
کف ایوان، سده چهارم میلادی،
موزه ملی ایران،
عکس از روی موزائیک در موزه

پوشش ایرانیان بعد از اسلام

از تن پوش زنان در قرون اولیه (قرن اول و دوم هجری قمری) اطلاع چندانی نداریم ولی آثار باقی مانده (دیوارنگاره ها؛ نقش برجسته ها و غیره) و همچنین نوشته های پراکنده مورخان و نویسندگان (زیرا بیش تر آنان در مورد تن پوش زنان سکوت کرده اند) می توان دریافت که تن پوش زنان در قرن اولیه تن پوش محلی بوده که ادامه همان تن پوش زنان دوره ساسانی است و عناصر اصلی لباس زنان در دوران مختلف (مطهریان تا ایلخانیان) تقریباً یکسان بوده ولی مقنعه و چادر از عناصر اصلی و مهم پوشش زن در خارج از خانه در این دوران بوده است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۳۸)

زنان در این دوره از دامن یا شلوار گشاد و پیراهن آستین دار که بلندی آن تا سر زانو می رسید (تونیک) و پیراهن دیگری که کوتاه و بی آستین بود و روی پیراهن زیری پوشیده می شد (احتمالاً به تقلید از زنان دوره ی ساسانی) استفاده می کردند؛ این پیراهن (روبی) جلو باز بود و به وسیله ی دکمه بسته می شد و کمربند و شالی هم زینت بخش آن بود و یک چادر سیاه رنگ سراسری که تمام بدن را می پوشانید (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۷۸)

پوشش سر

پوشش سر در دوران اولیه اسلامی شامل: تاج و دیهیم و کلاه و عمامه و مقنعه و چادر بود و گاهی نیز از پیشانی بندهایی استفاده می کردند که مزین به جواهر بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ۳۴۴)

مقنعه

مقنعه نیز از دیگر انواع پوشش سر بود که در دوران بعد از اسلام رایج بوده و در تصاویر، گوناگونی انواع آن را مشاهده می کنیم. در آثار ادبی این قرون و در اشعار شاعرانی چون ظهیر قاریایی و سنایی از مقنعه نام برده شده است. در کتاب التریاق تصویر زنی با مقنعه دیده می شود (تاریخچه پوشش سر در ایران، ص ۷۸، پیشین). زنان در قرن هفتم، دور مقنعه نواری می بستند و در شاهنامه مکتب شیراز (سال ۷۳۲ هجری قمری) نیز تصویر زنی با مقنعه آورده شده که مربوط به دوره غزنوی است (تاریخچه پوشش سر در ایران ص ۷۱، پیشین). در کتاب مقامات جریری تصویر زن پیری را با مقنعه آبی مشاهده می کنیم که علاوه بر شانه ها تمام سینه او را پوشانیده است مقنعه به رنگهای مختلف به ویژه سرخ (تاریخ اجتماعی ایران، ص ۷۳، رواندی، ج هفتم، پیشین). در آن دوران رواج داشت. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ۳۴۸)

چادر

پیش از اسلام این کلمه به پوشش سراسری اطلاق می شده است و همان طور که قبلاً گفتیم در دوره هخامنشیان این پوشش همراه با تاج یا دیهیم به کار برده می شد؛ در بعد از اسلام که صورت معرب آن شود به معنی چادر در فارسی مورد استفاده قرار گرفت، همان معنی از آن استنباط می شود؛ یعنی پوشش سراسری که زنان برای پوشاندن وستر و حجاب برتر به کار می بردند؛ این پوشش در دوران اولیه اسلامی و بعد از آن یعنی در دوران تمام حکومت های ایرانی از مطهریان تا ایلخانیان به رنگ های زرد و آبی و سیاه تیر کاربرد داشت؛ در کتاب خاتم شهبهانی تصویر زنی آمده است با پوشش سر مرولرید دوزی شده که به عقیده ایشان حالت چادری را دارد که از روی شانه آویزان است این طرح از نقش پارچه ای مخملی اقتباس شده است (ر. کیمه کتاب تاریخچه پوشش سر در ایران ص ۶۷ پیشین) و مربوط به قرن ششم یا پنجم هجری است. به نظر می آید که این پوشش سر چدا از چادری است که بر روی شانه انداخته شده و چیزی شبیه برنس است. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۳۹)

زنان یک حجاب سراسری داشتند که در واقع چادر سیاهی بود و هنگام خروج از خانه روندی نیز از پیشانی آویزان می کردند. زنان این دوره از شلوار گشاد و سفید رنگ و پیراهن کوتاه (تونیک) یا آستین های کوتاه و قبا و رنگین با آستین های بلند استفاده می کردند که جنس آن ها غالباً از ابریشم یا زربفت بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۲۸۵) همراه چادرها از روئندهای ابریشمی هم استفاده می شد؛ مینیاتوری از یک نسخه ی بسیار قدیمی در کتابخانه ی ملی پاریس موجود است که ترکان خاتون مادر سلطان محمد خوارزمشاه و حرم های او در لشکر مغول را می نمایند که دو زن یکی با چادر سفید و دیگری با مقنعه و چادر سیاهی نقاشی شده اند. آقای دکتر چیت ساز نیز به رواج چادر به عنوان پوشش اصلی در میان زنان دوره های مختلف تا ایلخانیان اشاره کرده اند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۵۰)

نقاشی مینیاتور روی آبریشم، کتاب بررسی هنر ایران، ج ۹، پوب



بخشی از یک صفحه از کتاب جامع التواریخ رشیدالدین، مکتب تبریز، کتاب هنر ایران، ج ۹، پوب

پوشش در دوران ایلخانیان

پوشش سر

زنان در این دوره از انواع کلاه، چارقد، روسری سه گوش (لچک)، توار، عرق چین، روسری توری، روبنده و چادر برای پوشش سر و بدن استفاده می کردند. کلاویخو می نویسد: «خاتون بزرگ به چهره نقابی نازک و سفید داشت بر روی سرش چیزی شبیه کلاه خود قرار داشت که از پارچه ی قرمز تهیه شده بود و در کنار آن بر روی شانه هایش افتاده بود. قسمت پشت کلاه، بلند و یا مروارید هایی گرانیها آرایش شده بود؛ علاوه بر آن با سنگ های گرانیها و لعل و بدخشان و فیروزه و غیره تزیین یافته بود.»

«استفاده از روبنده های شفاف و یاشلق ها، روشی بود برای کاستن از پوشش های حجیم سر اما گاهی اوقات یک شال اضافی نشان داده شده، که به صورت دستمال گردن های سفید یا رنگی در پشت سر بسته شده و تا پاها می افتاد یا آنکه ظاهراً توسط یک قطعه منجوق یا جواهر در زیر چانه محکم می شد. بعضی وقت ها نیز نوعی روسری باد بزن شکل، که ظاهراً در جلو گره می خورد و سپس روی گردن می افتاد دیده می شود.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۹۷)

چادر

کلاویخو در جای دیگر از سفرنامه اش اضافه می کند که: «زنهای شهری معمولاً روی پوشیده اند و عجب آنکه چادر سفید داشته اند و نقاب سیاه؛ واقعاً مثل ماه زیر میغ رفته اند...» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۹۷)

روسری یا لچک

در بیشتر تصاویر باقی مانده از آن دوران انواع روسری کوچک و بزرگ با توار یا تاجی همراه بود توار بر روی روسری کوچک لچک مانند و تاج زیر روسری بزرگ (مقنعه مانند) و گاهی نیز کلاهی در زیر یا روی لچک های سه گوش به کار برده می شد.

مقنعه

در این دوران مقنعه از پوشش های اصلی سر به شمار می آمد مقنعه ها را نیز به شکل های گوناگون مورد استفاده قرار می دادند؛ با توار یا بی توار؛ با کلاه یا بدون کلاه؛ زنان روستایی تواری به دور آن می بستند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۰۱)



کلاه و قیای زنان در دوره سلجوقی و خوارزمشاهیان

کاسه نقاشی شده با لعاب شفاف، کاشان،

موزه هنر سینیناتی



پوشش در دوران صفویان

در زمان شاه عباس جز زنان بزرگان و رجال کشور که بسیار کم از خانه بیرون می آمدند، زنان سایر طبقات در کوچه و بازار دیده می شدند و حتی برای آنکه زنان هم از تماشای چراغان و آتش بازی و جشن های شبانه محروم نمانند، ایشان را در این گونه تفریحات وارد می کردند و یک یا چند شب از چراغان آتش بازی ها را مخصوص زنان می ساخت. (ص ۸۲ کتاب حجاب اسارت یا آزادی؛ طحیه پارسا، پوشش زن در گستره تاریخ، انتشارات احسن الحدیث، ۱۳۷۷، ص ۷۱ تا ۷۴) پیتر دلاواله، جهانگرد اروپایی، درباره ی شرکت زنان در شکارهای شاهی می نویسد: «شاه عباس گاه با زنان خود تنها به شکار می رفت و در این گونه شکارها، زنان با روی باز بر اسب می نشستند و مانند مردان با تیر و کمان و تفنگ به شکار می پرداختند.»

چون زنان به هنگام سفر همراه شاه با روی باز و بدون حجاب بودند لذا مردان، مسیر مرکب شاه و حرم را ترک و خواجگان آن جا را فرقی می کردند؛ و البته سزای کسی که سر از این امر می پیچید و در مسیر خاتم ها قرار می گرفت اعدام بود؛ تاورنیه و پیتر دلاواله در سفر نامه شان به این مسئله اشاره کرده اند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۳۷۰)

زن ها در خلوت حرم، تن پوش های تنگ با یقه باز و بی آستین (دکولته) و چین دار که از زیر آستین های بلند دیده می شد، به تن می کردند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۵۷) لباس بیرون، عبارت بود از یک چادر سفید بلند که تا زمین می رسید و تمام اندام را می پوشانید که با روئنده سفید یا نقابی سیاه، بافته شده از موی اسب، هم حجب و حیا را می رساند و هم تنگ را امکان پذیر می ساخت. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۰۱)

روئنده

روئنده پارچه چهار گوش (مستطیل دراز) بود که در بالای پیشانی به کلاه یا روسری و یا چادر وصل می شد و در محدوده چشم، شکافی افقی برای دیدن تعبیه می کردند. زنان این دوزخ صورت خود را با روئنده ها می پوشانیدند.

در ظاهر، تن پوشهای زنانه با هم تفاوتی نداشتند و آن چادر بود که سر تا پای آنان را می پوشاند. البته جنس چادرهای آنان نیز متفاوت بود و بستگی به منصب همسرانشان داشت. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۵۷)

چادر

«زنان برای خروج، چادر سفید و بنفش بر سر می کشیدند که سراسر بدن آن ها را می پوشانید. چادر را با قیطان یا بندی نگه می داشتند.» (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۳۳) اولتاریوس می نویسد: «زنان سر خود را کاملاً می پوشانند و روی آن پارچه ای می اندازند که روی شانه هاشان می افتد و از جلو، گردن و گلو و سینه هاشان را می پوشاند (مقنعه) و آنگاه که آهنگ بیرون رفتن می کنند با چادر سفید سراسر اندام خود را از سر تا پا می پوشانند و رویشان را چنان زیر نقاب پنهان می دارند که جز مردمک چشمان چیزی دیده نمی شود. زنان ایرانی چهار پوشش جداگانه دارند که از دو تای آن ها در خانه و از دو تای دیگر بیرون از خانه استفاده می کنند»

باید توجه داشت که آنچه که در بیشتر سفرنامه ها به آن اشاره شده است پوشش چادر است البته نوعی مقنعه نیز رواج داشت که علاوه بر موها تا روی سینه را می پوشاند. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۴۷۰)

صفحه ای از کتاب آثارالباقیه بیرونی، آخرین کپی از نسخه ادینبرو، کتابخانه ملی، کتاب بررسی هنر ایران، ج ۹، پوپ



بخشی از نقاشی سده هشتم هجری که مقنعه زنان را می نمایاند



▲ لباس بیرون از خانه

▲ لباسهای اندرونی

تصویری از کلیچه کوتاه که در موزه رضا عباسی موجود است. از روی کتاب ایران، توکیو شیمبون



بخشی از یک مینیاتور، که مقنعه را با روبنده می نمایند



بخشهایی از دیوارنگاره چهلستون که چادر و مقنعه زنان را می نمایند



بخشی از یک مینیاتور که چادر دوران صفوی را می نمایند. از روی کتاب ایران، توکیو شیمبون

تصویر از سفرنامه شاردن



تصویری از سفرنامه شاردن که کلیچه زیر قبا را می نمایند



دختری با ساغر، مرقوم معین مصور، از روی مینیاتورهای ایرانی، فرهنگسرای یساولی





نقاشی اواخر سده دوازدهم هـ. ق. از روی کتاب چاپ شده توسط سفارت ایتالیا در تهران



نقاشی رنگ روغن از روی کتاب چاپ شده توسط سفارت ایتالیا در تهران



پوشاک اندرونی یک زن و مرد، نقاشی مینیاتور منسوب به آقا یاق، شاگرد معروف علی اشرف، رونوشت یک نسخه دست نویس دیوان حافظ، مجموعه خصوصی تهران، از روی کتاب شکوه ایران



از روی مینیاتورهای ایرانی، یساولی، زنی با چادر، رضا عباسی



لباس اندرونی بانویی با خرگوش و طوطی، رنگ روغن روی بوم، تهران تصویر از کتاب «پوشاک در ایران زمین»



پوشاک اندرونی زنان، رونوشتی از یک نقاشی مینیاتور، خمسه نظامی، مجموعه خصوصی تهران، از روی کتاب شکوه ایران



«شاهزاده خاتم نشسته»، لباس اندرونی، منسوب به میر سید علی



انتر شومیکر
قلب شرق ایران



زن زرتشتی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
انتر: هاتری رنه دالماتی



زن ایرانی
انتر: دیولافوا
سفرنامه دوره قاجار



زن ایرانی در حال پوشیدن چاقچور
انتر: سایکس (ایران و مردم آن)

پوشش در دوران قاجاریه

لباس بیرون زنان، چادر سفید با روبنده بود، همراه با شلوار گشاد (چاقچور) یا بدون شلوار. مع هذا تا نیمه های قرن مزبور، چادرهای تیره تر به رنگ سیاه یا آبی تیره و اغلب با گلنوزی طلایی استفاده می شد (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۲۰)

س. ج. و. بنجامین (S.G.W. Benjamin) که در سال ۱۸۸۰م. در ایران بود، چادر کمرداری را در مقابل نوع عادی لخت آن، که با شلوار چین دار (چاقچور) پوشیده می شد توصیف کرده است. چادر، حتی از دید خارجی با درایت، به میزان کمی درک می شد. ولز (wills) زن ایرانی را که چادر پوشیده به (چندینده ای اندر لفاف) تشبیه نموده است. (پوشاک در ایران زمین، ص ۲۲۵)

به طور کلی پوشش اصلی دوره زنان اول و دوم قاجاریه در خارج از خانه چادر بود. چادر انواع گوناگون داشت که عبارت بود از چادر چیت، کرباس، مخمل و املس و یا چادر کرباس چهارخانه به رنگ های آبی و قهوه ای که آن را چادر شب هم می گفتند تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۹۸
چادر سیاه یا بنفش ریشه دار بنه ای یا ابریشمی که در یزد بافته می شد و بسیار با دوام بود زنان اشراف اطراف این چادرهای سیاه را با کلابتون دوزی و حاشیه ی نقره ای تزیین می کردند و بعد این کار منسوخ شد و به جای آن حاشیه سر خود به رنگ های آبی، قهوه ای و سفید به عرض دو انگشت در اطراف چادر مشکی معمول گردید؛ سابقاً جلوی چادر مشکی را بندی می دوختند که هنگام سر کردن چادر، آن را به زیر گردن می انداختند ولی سپس بند را به قسمت جلوی چادر دوخته و دو سر آن را آزاد می گذاشتند که هنگام سر کردن آن را در پشت کمر محکم می کردند و امروز نیز کاربرد چنین چادری برای رها شدن دست ها در میان زنان ما دیده می شود. و بالاخره گاهی نیز چادرهایی عبایی از بغداد می آوردند که بسیار گرانبها و مخصوص زنان اعیان و اشراف بود. (تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، ص ۵۹۸)

چرا حرم سرا؟

حرم واژه ای عربی و به معنی مقدس و مورد احترام است. چنانکه محل عبادت و آرامگاههای مقدسین نیز حرم نامیده می شود. از آنجا که زنان بایستی از چشم نامحرم به دور می ماندند معمولاً خانه ها، بویژه منازل افراد مشهور و منتفذ دارای دو بخش بود که بخشی از آن معمولاً در قسمت جلو خانه قرار می گرفت و محل رفت و آمد مهمانان و بازدید کنندگان بود و بخشی دیگر در عقب خانه واقع بود و حرم نامیده می شد. و هیچ کس غیر از شوهر و فرزندان اجازه رفت و آمد به آن بخش را نداشت. واژه حرم به مرور زمان چنان تحولی یافت که مترادف و معادل واژه زوجه و همسر گردید، تا آنجا که در گفته ها و نوشته به جای آنکه بگویند همسر فلان آقا یا زوجه شاه، می گفتند حرم فلان آقا یا حرم شاه. البته این عنوان بیشتر در مورد زنان اقرار مشهور و منتفذ که زنان متعددی داشتند استعمال می شد. (زن در تاریخ نگاری صفویه، ص ۴۳-۴۲)

لباس اندرونی،
سفرنامه از خراسان تا بختیاری،
اثر: هانری رنه دالمانی



زنان ایروانی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اثر: هانری رنه دالمانی



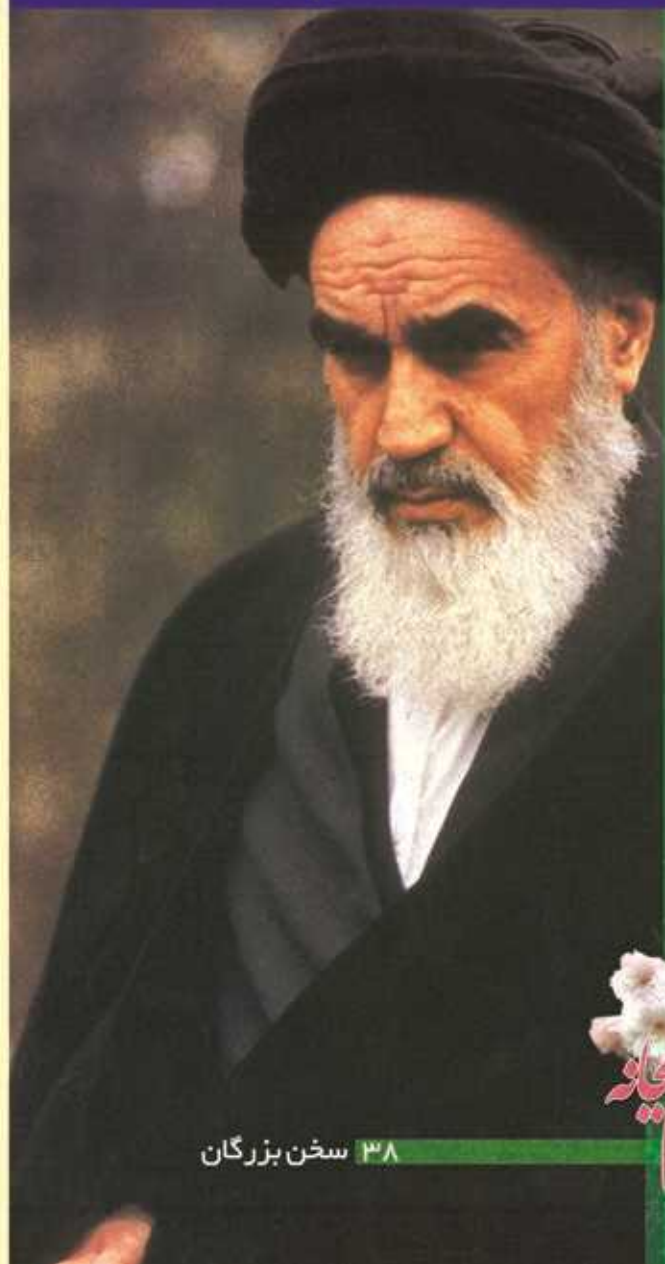
زنان و مردان زرتشتی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اثر: هانری رنه دالمانی



یک پرده نقاشی، منسوب به محمد
زن استوائی یا جادر شب که
روشنه اش را کنار زده

خانم حاکم کاشان
سفرنامه دوره قاجار
اثر: دیولاقوا

سخن بزرگان



♦ جایگاه و حقوق زن از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

«هر چه را که خدا دستور فرموده است، چه برای مرد چه برای زن، برای این است که آن ارزشهای واقعی که شما دارید و ممکن است به وسوسه های شیطانی یا دستهای فاسد استثمار یا مال شوند، این ارزشها زنده بشوند. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان آن جامعه نشأت می گیرد. (روز زن در جمع بانوان، ۶۳/۱۲/۲۱)

«آنچه دین گریزان برای زن قائلند، چیزی جز تباهی و ملعیه شدن نیست. (صحیفه نور، ج ۱۵ ص ۲۵۷)

«ما می خواهیم زن در مقام والای انسانیت خودش باشد، نه ملعیه در دست مردها باشد در دست اراذل باشد. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۷)

«اسلام زن را مثل مرد در همه شئون، همانطور که یک مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد. همانطور که مرد باید از فساد اجتناب کند، زنهای نباید ملعیه دست جوانهای هرزه بشوند. زنهای نباید مقام خودشان را متحط کنند. و خدای ناخواسته بزرگ کرده بیرون بیایند و در انظار مردم فاسد قرار بگیرند. زنهای باید انسان باشند، زنهای باید تقوا داشته باشند، زنهای مقام کرامت دارند، زنهای اختیار دارند، همانطور که مردها اختیار دارند، خداوند شما را باکرامت کرده است، آزاد خلق کرده است. (صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۳)

♦ مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی):

- زن ایرانی راهبه نیست، اما از راهبه پاک تر است و طیبه و طاهره است. سرباز نیست، اما به قدر سرباز میدان جنگ شجاعت دارد و با این که جهاد در میدان های رزم بر او واجب نیست، اما به قدر یک جهادگر در راه خدا تلاش می کند و در تمام صحنه ها حضور دارد. (دیدار با نمایندگان خواهران فرهنگی سراسر کشور ۶۳/۱۱/۷)

- حجاب اسلامی وسیله حفظ و صیانت عفاف انسانی است. شخصیت انقلابی زن مسلمان به او اجازه نمی دهد که از راه نشان دادن پیکر برهنه خود، از راه در معرض گذاشتن و به نمایش نهادن زیور و زینت و آرایش خود، خود را نشان دهد. (خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۱۳)

- حجاب به معنای چادر نیست، اما چادر نزد ما ایرانی ها که زنان ما از قدیم داشتند، بهترین نوع حجاب است. بدون چادر هم حجاب ممکن است. حجاب به معنای پوشیدن سالم، نه پوشیدنی که از پوشیدن بدتر است.

- حفظ حجاب به زن کمک می کند تا بتواند به آن رتبه معنوی عالی خود برسد دچار آن لغزشگاه های بسیار لغزنده ای که سر راهش قرار داده اند نشود. (دیدار با اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۷۰/۱۰/۴)

- اسلام در باب پوشش حجاب را معین نکرده است. مقصود این است که دیدار زن و مرد و ملاقات طبیعی آنها به صورت روزمره تبدیل به یک عامل تحریک نشود و این هدف اسلام است. (مصحاح به با مجله شاهد بانوان، ۶۷/۲/۲۸)

- مسئله حجاب به معنای متزوی کردن زن نیست اگر کسی چنین برداشتی از حجاب داشته باشد، این کاملاً یک برداشت غلط است. مسئله حجاب معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی قید و شرط زن و مرد در جامعه است، زیرا اختلاط بی قید و شرط هم به ضرر جامعه و هم به ضرر زن و مرد به خصوص به ضرر زن است. حجاب برای زن به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیتهای سیاسی و اجتماعی نیست و دلیل علمی این ادعا هم خود شما هستید، شاید عده ای تعجب می کردند و هنوز هم تعجب می کنند از اینکه یک خانمی در سطح بالایی علمی هر رشته ای ... وجود داشته باشد که خودش را با تعالیم اسلامی متطبق کند و از جمله با مسئله حجاب.

- شما خانمها پیامی دارید، این پیام را دقیق و مسجل کنید و به دنیا بدهید. پیام هم فقط پیام زیبایی و شغاهی و کثی نیست، بلکه بیشتر پیام عملی است. زنهای ایران، به خصوص کسانی که در رشته های گوناگون دانش و در چارچوب اسلام و احکام اسلامی و مهمتر از همه مسئله حجاب توانسته اند حرکت کنند، پایستی به زنان و دختران و دانشجویان زن دنیا عملاً تفهیم کنند که علم به معنای بی بند وباری نیست، و لازمه تحصیل علم بی قیدی به موازین اخلاقی در مورد معاشرت زن و مرد نیست بلکه می توان با رعایت کامل این موازین علم را هم تحصیل کرد و به جاهای بالایی رسید. وجود شما می تواند به عنوان یک نمونه از پیام مبانی اسلام نشان داده بشود. (سخنرانی در دیدار با گروهی از زنان پزشک سراسر کشور ۶۸/۱۰/۲۶)

- حجاب و حفظ عفاف مخصوص خواهران نیست ای برادران مسلمان! و ای برادران جوان! شما هم مراعات عفاف و حجاب اسلامی را بکنید شما هم با لباس شایسته در محیط کار و در محیط جامعه ظاهر بشوید. (خطبه نماز جمعه ۵۹/۴/۳)





◆ علامه شهید مرتضی مطهری:

– وقتی زن پوشیده و سنگین از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاکدامنی را رعایت کند افراد فاسد و مزاحم جرأت نمی کنند متعرض آنها شوند. و از نظر اسلام هر قدر زن جانب عفاف و ستر (پوشش) را مراعات کند، پسندیده تر است. (مسئله حجاب ص ۱۶۸ و ۱۷۷)

– عفاف یعنی آن حالت نفسانی یعنی رام بودن قوه شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان. عفاف و پاکدامنی یعنی تحت تأثیر قوه شهوانی نبودن، شره نداشتن. یعنی جزء آن افرادی که تا در مقابل یک شهوتی قرار می گیرند بی اختیار می شوند و محکوم این غریزه خود هستند، نبودن، این معنی عفاف است. (تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۶)

– عجا به بهانه اینکه حجاب، نیمی از افراد اجتماع را فلج کرده است، بای حجابی و بی بند و باری نیروی تمام افراد زن و مرد را فلج کرده اند. (مسئله حجاب، ص ۹۸)

– در مورد غریزه جنسی و برخی غرایز دیگر برداشتن قیود، عشق به مفهوم واقعی را می میراند ولی طبیعت را هرنه و بی بند و باری می کند. در این مورد هرچه عرضه بیشتر گردد هوس و میل به تنوع افزایش می یابد. (مسئله حجاب، ص ۱۰۳)

– تا در جهان حکومت شهوت برقرار است هرگز امنیت ناموسی وجود نخواهد داشت. (مسئله حجاب، ص ۴۴)

– غیرت، نوعی پاسبانی است که آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسلها در وجود بشر نهاده است. (مسئله حجاب، ص ۵۵)

– اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع پیوند زن و شوهری را محکم می سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می شود. (مسئله حجاب، ص ۸۱)

– فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، در حالیکه در سیستم آزادی کامیابی، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانیان به شمار می رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه گذاری می شود. (مسئله حجاب ص ۸۱)

– اگر رعایت پاره ای مصالح اجتماعی زن یا مرد را مقید می سازد که در معاشرت روش خاصی را اتخاذ کنند و طوری راه بروند که آرامش دیگران را بر هم نزنند و تعادل اخلاقی را از بین نبرند، چنین مطلبی را «زندان کردن» یا «بردگی» نمی توان نامید و آن را منافی حیثیت انسان و اصل «آزادی» فرد نمی توان دانست. (مسئله حجاب، ص ۱۰۱)

– حیا و عفاف از ویژگیهای درونی انسان است و حجاب به شکل و قالب و نوع و چگونگی پوشش بر می گردد، تفاوت باطن و ظاهر با روح و جسد و یا گوهر و صدف را می توان به عنوان تمثیل در این زمینه به کار برد. به گمان ما اینها دو حقیقت هستند و میزان وابستگی این دو نیاز به تأمل دارد. (مسئله حجاب، ص ۵۲ تا ۵۷)

– پوشش زن در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه گری و خودنمایی نپردازد.

– اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین تر و با وقارتر و عفیف تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مردم نگذارد بر احترامش افزوده می شود.

– حجاب در اسلام یک وظیفه ای است که بر عهده زن نهاده شده که در معاشرت و برخورد با مردم باید کیفیت خاصی را در لباس پوشیدن مراعات کند. این وظیفه نه از ناحیه مرد بر او تحمیل شده است و نه چیزی که با حیثیت و کرامت او منافات داشته باشد و یا تجاوز بر حقوق طبیعی او که خداوند برایش خلق کرده است محسوب می شود. (مسئله حجاب، ص ۹۳)

– شرافت زن اقتضا می کند که هنگامی که از خانه بیرون می رود متین سنگین و با وقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زیاندار لباس نپوشد، زیاندار راه نرود، زیاندار و معنی دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات زشت ها سخن می گویند، راه رفتن انسان سخن می گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می زند. (مسئله حجاب، ص ۹۳)

– از نظر اسلام محدودیت کامیابیهای جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می کند و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفای نیروی کار و فعالیت اجتماع می گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد، سبب می گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود. (مسئله حجاب، ص ۷۶)

– آنچه موجب فلج کردن نیروی زن و حبس استعدادها ی اوست حجاب به صورت زندانی کردن زن و محروم ساختن او از فعالیت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است و در اسلام چنین چیزی وجود ندارد. اسلام نه می گوید که زن از خانه بیرون نرود و نه می گوید حق تحصیل علم و دانش ندارد؛ بلکه علم و دانش را فریضه مشترک زن و مرد دانسته است و نه فعالیتهای اقتصادی خاصی را برای زن تحریم می کند. اسلام هرگز نمی خواهد زن بیکار و بی عار بنشیند و وجودی عاطل و باطل بار آید. پوشانیدن بدن به استثنای وجه و کفین مانع هیچ گونه فعالیت فرهنگی یا اجتماعی یا اقتصادی نیست. آنچه موجب فلج کردن نیروی اجتماع هست آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی است. (مسئله حجاب، ص ۸۴)

– جامعه ای که از زینت عفاف و حیا و پوشش کامل زنان و غیرت مردان برخوردار باشد و نمایش جاذبه های زنانه محدود به خانه و همسر باشد، از یک سو ارزش و منزلت و موقعیت زنان در نظر مردان فوق العاده بالا می رود و از سوی دیگر قدرت میل و حرص مردان به جاذبه ها و زیبایی های زنان افزایش می یابد. مردان از آنجا که در خارج خانه به زنان دسترسی ندارند، طبیعتاً به همسران خویش و جاذبه های آنان جذب می شوند که همین امر مایه گرانیها شدن آنها، تداوم بخش محبوبیت آنان و استحکام خانواده خواهد بود. (آسیب شناسی شخصیت زن، ص ۲۵۶)

– آنچه اسلام به عنوان یک امر اخلاقی توصیه می کند این است که: تا حد ممکن اجتماع مدنی غیر مختلط باشد. (مسئله حجاب، ص ۲۱۶)





◆ استاد رحیم پور ازغندی

– اگر اسلام به زن می گوید حجاب داشته باشد می خواهد زن در جامعه حضور داشته باشد، البته حضور انسانی نه حضور مؤنث.
– حجاب حریمی برای زن ایجاد می کند تا بتواند در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... حضور داشته داشته باشد.



◆ دکتر علی شریعتی

– خانم گاندی با آن ساری که سه هزار سال چهار هزار سال پیش که می پوشید و با همه رهبران بزرگ دنیا ملاقات دارد، وارد سازمان ملل که می شود ۵۰۰ نماینده بلند می شوند و نیم ساعت برایش دست می زنند هرگز احساس حقارت نمی کند ... او با آن ساری می خواهد بگوید که من تمدن غرب، فرهنگ دختر شایسته، زن روز، بوردا و ... را خوانده ام (اما) با این لباس به فرانسه، آلمان غربی، نیویورک، دیوان لاهه و سازمان ملل می آیم که بگویم: شما دو قرن آمدید تلاش کردید، جان کشیدید که ما را مثل خودتان کنید! من به عنوان مظهر زن امروز هستم، با لباس خود آمده ام تا به شما بگویم که همه تلاشهایتان بیهوده بوده و من خودم هستم. (مجموعه سخنرانی ها)

و جمال، ص ۴۲۳)

– اسلام زن را در سایه حجاب و سایر فضایل به صحنه می آورد تا معلم عاطفه، رقت، درمان، لطف، صفا، وفا و مانند آن شود و دنیای کثونی، حجاب را از زن گرفته تا زن به عنوان ملعبه به بازار بیاید و غریزه را تأمین کند. زن وقتی با سرمایه غریزه به جامعه آمد دیگر معلم عاطفه نیست، فرمان شهوت می دهد نه دستور گذشت. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۷۲)

– «عفاف» زنان، مهمترین کار را برای حفظ ادیان ابراهیمی عهده دار بودند و در بخش علم نیز، زنان در حد مردان جزء کلمات الهی بودند که آدم را نجات دادند. «فتلی آدم من ربّه کلمات» (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۱۳۰)

– بارگاهی را تصور کند که به این بارگاه بدون اذن ورود، نمی شود وارد شد، اگر در آن بارگاه رفیع، کسی زن را شش سال زودتر از مرد راه بدهد معلوم می شود که این زن پیش از مرد مورد عنایت صاحب بارگاه مقدس رفیع است ... منتهی زن باید موقعیت خود را درک بکند، آنگاه دیگر به فکر زیست نیست، به فکر پوشیدن و نوشیدن نیست ... (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۲۸)

– بر این اساس بلوغ یک شرافت است. آنها که اهل راه اند می گویند ما مشرف شده ایم نه مکلف و زن شش سال قبل از مرد به این شرافت می رسد (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۵۴)

– اگر کارهایی که زنان اباحه گونه در جنگها و صحنه های سیاسی اسلام کردند، ده ها بار گفته می شد، به صورت فیلم تبلیغی در می آمد، و ده ها بار کتاب در آن زمینه نوشته می شد، آنگاه مشخص می شد که زنان در بیشتر مسائل نظامی در صدر اسلام همچون اباحه و مالک اشتر بودند. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۹۴)



◆ علامه جوادی آملی

– (قرآن) به زنان دستور داد که هم خوب حرف بزنند و هم حرف خوب بزنند تا مردانی که قلبشان مریض است طمع نکنند، این مرض در قلب مرد است چه اینکه زن آنچنان نیست که صدای مرد را بشنود، طمع کند. او از سلام دل پر خوردار است، مگر آنکه بیماری تبرج در او پدید آید.

صغرای قیاس این است که زنان نوعاً از سلامت دل برخوردارند. کبرای قیاس این است که: در قیامت صاحبان و سالمندان سالمند «الا من اتی الله بقلب سلیم» نتیجه آن است که: زنان موفق ترند. اگر قرآن فرمود: این کتاب شفا در دل است ... بعد فرمود: طمع در نامحرم مرض است و بعد فرمود این مرض در مرد است و در این بخش سخنی از مرض زن به میان نیامده است معلوم می شود زنان از این بیماری مخصوص سالمند اند. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۲۵۰)

– دنیای کثونی، زن را در معرض نمایش آورد و درندگی جامعه بیشتر شد. اما دنیای اسلام، زن را در صحنه می آورد تا جامعه را مسخر عواطف زن کند نه مسخر غریزه ی زن. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۳۷۲)

– زن باید این مسئله را کاملاً درک کند که حجاب او تنها مربوط به خود او نیست تا بگوید من از حق خودم صرف نظر کردم. حجاب زن مربوط به مرد نیست تا مرد بگوید من راضیم، حجاب زن مال خانواده نیست تا اعضای خانواده رضایت بدهند، حجاب زن، حقی است الهی. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۲۳)

– حرمت زن نه اختصاص به خود زن دارد نه مال شوهر و نه ویژه برادران و فرزندان می باشد. همه اینها اگر رضایت بدهند، قرآن راضی نخواهد بود چون حرمت زن و حیثیت زن به عنوان حق الله مطرح است. ... حجاب زن حقی است الهی ... عصمت زن حق الله است ... زن به عنوان امین حق الله از نظر قرآن مطرح است. (زن در آئینه جلال و جمال، ص ۴۲۳)

♦ فرانسیس فانون (جامعه شناس و فیلسوف فرانسوی) در مورد انقلاب الجزایر



– هر چادری که دور انداخته شود افق جدیدی را که برای استعمار ممنوع بوده در برابر او می گشاید و پس از دیدن هر چهره بی حجابی، امیدهای حمله ور شدن استعمار ده برابر می شود.

– دیدن در برخورد با زن محجبه، یک طرفه است و طرف مقابل نمی تواند او را ببیند و زنی که دیده نمی شود تسلیم نمی گردد و خود را عرضه نمی کند. (انقلاب الجزیره یا بررسی جامعه شناسی یک انقلاب، فرانسی فانون، ص ۱۴)

♦ خروشچف (رئیس جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی)



– آینده شوروی در خطر است و جوانان هرگز آتیه امید بخشی ندارند، چرا که بی بندوبار و اسیر شهوات گشته اند. (محمد قطب، اسلام و تجدید حیات معنوی، ص ۲۰۳)

♦ تولستوی (فیلسوف روسی در کتاب موسوم به حکم التبی محمد(ص))



– ازدیاد و انتشار طلاق در اروپا که افکار عامه را متوجه به خود کرده، مسبب آن، تمدن فاسد و اختلاط جنسی و نبودن حجاب است که زن به واسطه معاشرت با مردی که موافق میل اوست، از زوج اولی بی میل می گردد و محبت صادقانه که اساس رابطه عائله است، در اروپا نادر است. به همین قیاس، فانون طلاق در ازدیاد و رواج است. از این بیان معلوم است که کثرت طلاق به سبب حجاب نیست، غالباً طلاق مستند به این است که شوهر از انس و محبت زن خود دست کشیده و برای خود، کس دیگری را رقیق و طرف عشق قرار دهد که آن هم از آثار بی حجابی است نه از آثار حجاب. (حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۹۶)

♦ هولاک آلیس



بدون وجود پاکدامنی، نه می توانیم آن خلوص و صفای نابی را که تجلی نهائی عشق است به دست آوریم و نه می توانیم ارزش آن را به درستی درک کنیم. (کتاب فتنیم در امریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۱)

♦ ماهاتما گاندی (رهبر انقلاب هند)



زن با اینکه به ظاهر در صدد آزادی برآمد ولی در خطر جدیدی قرار گرفت و آن خطر بازیچه قرار گرفتن و وسیله هوسرانی های مرد شدن است. من ترجیح می دهم که نسل انسان نابود شود تا اینکه بماند و با تبدیل زن یا ظریفترین مخلوق الهی به یک وسیله عیاشی و شهوترانی مرد، از هر حیوانی پست تر گردد. اگر من زن بودم علیه دعوی مرد داور بر اینکه زن به دنیا آمده تا بازیچه او باشد سخت عصبان می کردم. ای زنان اگر

آرایش کردن شما به خاطر جلب شهوت مردها است از این کار خودداری کنید و زیر بار ننگ چنین خفتی نروید. (کتاب روح بشری، ص ۲۱۱)

♦ ادوارد یاکوب (جهانگرد و طبیب آلمانی)



در ایران در بازار به زنانی با چادر یرمی خورید که به هنگام صحبت کردن از طرز تکلم آنها می توان به مقام بلندشان پی برد. زنان ایرانی در خروج از منزل آزادی بسیاری دارند و علی رغم چادر مستور خود به همه امور اعمال نفوذ دارند حتی در کارهای سیاسی. در سقوط برخی حکام و وزرا سرخ را باید از آنها جست.

♦ چارلی چاپلین (کارگردان و بازیگر)



– دخترم هیچکس و هیچ چیز دیگر را در این جهان نمی توان باقت که شایسته آن باشد که دختری ناخن پای خود را به خاطر آن عریان کند...

– پرهنگی بیماری عصر ماست به گمان من تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش از آن توست. (چارلی چاپلین پدر تو (نامه ای به دخترم))

♦ ویلیام جیمز



– مرد جوان به دنبال چشمان پر از حیا است و بدون آنکه بداند، حس می کند که این خودداری ظریفانه از یک لطف و رقت عالی خبر می دهد. حیا (و در نتیجه عزیز بودن زن و معشوق واقع شدن او برای مرد) پاداش های خود را پس انداز می کند و در نتیجه نیرو و شجاعت مرد را بالا می برد و او را به اقدامات مهم و می دارد و قوایی را که در زیر سطح آرام حیات ما ذخیره شده است بیرون می ریزد. (به نقل از لذات فلسفه (ویل دورانت) و به نقل از اخلاقی جنسی (استاد مطهری))

♦ ایمانوئل کانت (فیلسوف)



در عشق جنسی، عاشق معشوق را تنها به دید یک شیء اشتها آور می نگرد. به محض آنکه معشوق در اختیار قرار گرفته شد و آن رغبت آرام گردید، دیگر دور انداخته می شود، مثل دور انداختن لیمویی که کاملاً مکیده شده یعنی رابطه جنسی به تنهایی و بدون عشق (حقیقی) تحقیر طبیعت انسانی است. (فمنسیم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۳۵)

♦ خانم ساجیکور مور آتا (دکترای الهیات اهل ژاپن)

لطف زن به با حجاب بودن اوست، اصولاً طبع هر انسانی طالب کشف تنوع هاست. وقتی زنان به شکل امروزی بی حجاب باشند، چیزی برای جلب توجه مرد باقی نمی گذارند. هر چیز بااهمیتی هر گاه چندین بار رویاروی قرار گیرد، اهمیت خود را از دست می دهد این موضوع در تحکیم روابط زنانشویی نقش بسیار مهم و مؤثری دارد. (کتاب بهشت و جوانان، ص ۲۶۳، عبدالله محمدی نیا، به نقل از کتاب حجاب گل، ص ۳۸)



♦ مری پایفر (روانشناس آمریکایی)

امروز دختران بسیار بیشتر تحت ستم قرار دارند، آنان در فرهنگی بسیار خطرناکتر، تحت سیطره رسانه ها، و روابط جنسی قرار دارند، پا به سن می گذارند ... و در حالی که زندگی پر خطری را سپری می نمایند، از حفاظت کمتری برخوردار می گردند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۱۸)



♦ ویل دورانت (مورخ معروف)

– زنان دریافته اند که دست و دلبازی مایه طعن و تحقیر است و این امر را به دختران خود یاد دادند. (به نقل از کتاب مسئله حجاب شهید مطهری، ص ۷۰ و ۷۳)
– حیا یکی از لطیف ترین دلفریبی های زن است. زنان بی شرم و حیا جزء در موارد زود گذر، برای مردان جذاب نیستند. (به نقل از کتاب قرآن و مقام زن، سید علی کمالی، ص ۲۳۳)
– آنچه بجویم و ناییم عزیز می گردد، زیبایی به قدرت میل بستگی دارد، میل با اقتناع و ارضاء، ضعیف و با منع و جلوگیری، قوی می گردد.
– ما میراث اجتماعی خود را با این فساد انبوه به هدر خواهیم داد. (به نقل از کتاب مسئله حجاب شهید مطهری، ص ۷۰ و ۷۳)



♦ پلینت روث

رواج فرهنگ برهنگی نه تنها آن را به صورت عادی و یک چیز بی اهمیت در نمی آورد، بلکه به عطش روحی را افزایش می دهد.

♦ دیوید هیوم (فیلسوف)

– پاکدامنی ضامن مقام پدری مردان برای فرزندانشان می باشد. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۴)



♦ ژان ژاک روسو (فیلسوف)

شبهه شدن زنان به مردان، باعث تسلط مردان بر آنها می شود. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۷، به نقل از کتاب مشهور امیل)



♦ جان اف کندی (رئیس جمهور اسبق آمریکا)

– نسل جوان اروپایی و آمریکایی هوسبازند و من برای نسل آینده آمریکا پیمانم.



♦ آلفرد هیچکاک (کارگردان)

– زنان شرقی تا چند سال پیش به خاطر حجاب و نقاب و روپندی که به کار می بردند، خود به خود جذاب می نمودند و همین مسئله، جاذبه نیرومندی به آنها می داد، اما به تدریج با تلاشی که زنان این کشورها برای برابری با زنان غربی از خود نشان می دهند، حجاب و پوششی که دیروز بر زن شرقی کشیده شده بود، از میان می رود و همراه آن از جاذبه جنسی او هم کاسته می شود.



– من معتقدم زن باید مانند فیلمی پرهیجان و پر آنتیک باشد، بدین معنی که ماهیت خود را از کمتر نشان دهد و بگذارد مرد برای کشف او بیشتر به خود زحمت دهد. (به نقل از مسئله حجاب، شهید مطهری، ص ۷۳)

♦ مستر همفر (جاسوس انگلیسی در کشورهای اسلامی)

وی که سالهای زیادی از طرف انگلیس برای محو اسلام در کشورهای مسلمان جاسوسی کرده، می گوید:
باید زنان مسلمان را فریب داد و از زیر چادر بیرون کشید – با این بیان که چادر یک عادت است از خلفای عباسی و یک برنامه اسلامی نیست – پس از آنکه زنان را از چادر و عبا بیرون آوردیم باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنها بیفتند تا در میان مسلمانان فساد رواج یابد. (آنچه باید یک زن بداند، ص ۴۵۸)

♦ سیمون دوبوار (فیلسوف و همسر ژان پل سارتر که یکی از رادیکال ترین فمینیست ها محسوب می شود)

وی پاکدامنی را امری طبیعی می دانست و معتقد بود پاکدامنی یکی از چند خصوصیت زنانه ای هست که حقیقتاً اساس بیولوژیکی دارد و زنان را حفاظت می کند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۷)



♦ ویکتور هوگو (نویسنده معروف)

– می گویند بردگی در اروپا از بین رفته است اما بردگی همچنان ادامه دارد و بر زنان تحمیل می شود و نامش قحطاست. (کتاب تسبیح هزار دانه)
– اصولاً زن عفیف، زیبا و دلپسند است، وجاهت توأم با وقار و عفت، به زن قدرتی می دهد که قوی ترین مردان را یارای مقاومت در برابر او نیست، بلکه آنها را به خضوع و تعظیم در مقابل خویش وادار می سازند.



♦ ترولوپ (رمان نویس)

یکی از دلایل نویسنده شدن او این بوده که به دختران پیامورزد که عفت گوهری است که ارزش حفاظت دارد. (کتاب زندگینامه، به نقل از کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۸)



♦ خانم اوریزان ماروث

مرد فطرتا طالب دختری است که مانند بنفشه محبوب و سلیم الطبع و در عین سادگی و عفاف، دارای کمال، لطف و دلبری باشد. زنی که دارای صفات و ملکات فاضله بوده و نام زن شایسته اوست. هرچا و به هر حالت که باشد مورد تقدیس و احترام مرد واقع می شود. (زن در عصر جدید ص ۱۰۲)

♦ جیمز اتلس

در حالی که در عصر ویکتوریا بر خواست های نفسانی مردم سربوش گذاشته می شد، در عصر ما این خواست ها تا مرز خشونت پیش رفته است. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۶)



♦ جرجی زیدان (نویسنده معروف)

اگر مقصود از حجاب، پوشانیدن تن و بدن است، این وضع پیش از اسلام و حتی پیش از ظهور دیانت مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداده و تا و آخر قرون وسطی، در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است. (تاریخ تمدن اسلام)



♦ خانم ایفیلین کوبالاد (نویسنده انگلیسی که بالاخره به

اسلام گروید)

در مقام و بزرگی زن در اسلام همین پس که مسلمین او را «حرم» که از احترام و حرمت گرفته شده می خوانند (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳)

♦ سالی کلاین (فمینیست)

... در حقیقت آنچه (در سالهای اخیر) به دست آمد آزادی زیاد زنان نبوده بلکه مشروعیت بخشیدن زیاد به بی بندوباری مردان بوده ... (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۶۳)



♦ برتراند راسل

از لحاظ هنر مایه تأسف است که به آسانی بتوان به زنان دست یافت و خیلی بهتر است که وصال زنان دشوار باشد بدون آنکه غیر ممکن گردد.



♦ شارل ژردن (جهانگرد و فیلسوف فرانسوی (قرن ۱۸-۱۷)

مشکل می توان تشخیص داد که آیا بانوان آریا برای آزد و عفت یا به منظور افتخار و عزت یا غرور و تکبر به سوی حجاب می روند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳)

♦ فرانسس بنتون

قواعد و مقررات در رابطه با حفظ پاکدامنی ممکن است متغیر باشد ... اما پاکدامنی یک مفهوم ثابت و مطلوب است. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۷۳)

♦ شلیت (فارغ التحصیل فلسفه از امریکا)

- امروز رعایت وقار در پوشش همانند واخوره بودن در زمینه مسائل جنسی تلقی می شود و زنان برای اینکه اثبات کنند این گونه نیستند، مجبورند از پوشش های نامناسب استفاده کنند در حالی که زنان هنگام استفاده از پوشش های نامناسب در مقابل غریبه ها معمولاً احساس ناراضایی می کنند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۳۶)

- پاکدامنی ثابت می کند که اخلاقیات بهتر از بی بندوباری می تواند به روابط جنسی کمک کند پاکدامنی حتی می تواند فرمان خداوند باشد. زیرا این مفهوم را می رساند که ما انسانها به گونه ای طراحی شده ایم که هرگاه مانند حیوانات بی هیچگونه خویشی داری و پایبندی به اصول رفتار نمایم، همانند آنها لذت نمی بریم. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۶۳)

- زنانی که می خواهند برای اثبات آزادی مثل مردان هرزگی کنند در نهایت صدمه می خورند.

- زنان پاکدامن علاوه بر زیبایی درونی، از زیبایی عینی و بیرونی بیشتری نسبت به بقیه زنان برخوردار هستند، افرادی که در برابر غریبه ها تقریباً برهنه هستند چیزی برای نشان دادن به محبوب خود باقی نمی گذارند. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۴۱)

- گرچه پاکدامنی در ادیان مختلف ممکن است متفاوت باشد، اما تمام آنها با این موضوع که پاکدامنی و تقدس به طور تنگاتنگ در هم تنیده شده اند، اتفاق نظر دارند. همگی معتقدند در حضور قدسی، باید خود را پوشانند.

- این بازگشت به پاکدامنی در پوشش، تنها متعلق به کشورهای اسلامی نیست، چنین به نظر می رسد که در امریکا نیز یک انقلاب متقابل در زمینه پوشش از حدود سال ۱۹۸۹ آغاز شده است. مجله تایم از موج عظیم گرایش به پاکدامنی سخن به میان می آورد و نشریه پوشش زنان گزارش می دهد که تقاضا برای لباسهای پوشیده، سال به سال افزایش می یابد و این افزایش به سبب تغییراتی است که در حال و هوای اجتماعی پدید آمده. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۷۰)

- گمان نمی کنم در دورانی زندگی می کنیم که در آن شرم و حیا وجود ندارد. ما انسان هستیم و انسانها همیشه از چیزی خجالت می کشند. فقط موضوع مناسب را اشتباه گرفته ایم. از سیگار کشیدن خجالت می کشیم ولی از لباس های نازک دختران جوان خجالت نمی کشیم. (کتاب فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳، ص ۲۸)



باشاعرا سپاری



♦ دلدادگی سودابه بر سیاوش

فرستش بسوی شستان خویش
همه روی پوشیدگان را ز مهر

بدو گفت شاه این سخن در خورست
سیهید سیاوش را خواند و گفت
بس پرده من ترا خواهرست

بس پرده پوشیدگان را بین
سیاوش چو بشنید گفتار شاه
زمانی همی با دل اندیشه کرد
گمانی چنان برد گو را پدر
که بسیار دانست و خیره زبان

بر خواهران و فغانان خویش
پیر از خون دلست و پیر از آب چهر

برو بر ترا مهر صد مادرست
که خون و رگ و مهر توان بهفت
چو سودابه خود مهریان مادرست

زمانی بمان تا کند لفرین
همی کرد خیره بدو در نگاه
بکوشید تا دل بشوید ز گرد
پژوهد همی تا چه دارد بسر
هشیوار و سنا دل و بدگمان

♦ آمدن زال به نزد مهرباب کابلی

یکی نامدار از میان مهران
بس پرده او یکی دخترست
ز سر تا بیاض بگردار عاج

چنین گفت کای پهلوان جهان
که رویش ز خورشید روشن ترست
برخ چون بهشت و ببالا چو ساج

♦ رفتن بیژن به دیدن منیژه دختر افراسیاب

پرده درون دخت پوشیده روی
فرستاد مر دایه را چون توند
نگه کن که آن ماه دیدار کیست

بجوشید مهرش دگر شد بخوی
که رو زیر آن شاخ سرو بلند
سیاوش مگر زنده شد گر پرست

♦ شیرین در بارگاه شیرویه می گوید:

که او را ندیدی کس اندر جهان
نه از تبتل و مگر از بدخوبی
همه روی ماه و همه مشک موی
نه از مهتران نیز بشنیده بود
خیو زیر لبها برافشانند

مرا از هنر موی بُد در نهان
نمودم همین است آن جادویی
بگفت این و بگشاد چادر ز موی
نه کس موی او پیش از این دیده بود
به دیدار پیران فرومانند

♦ آمدن بیژن به سرا پرده منیژه

خرامید زن سایه سرو بن
پیاده همی گام زد بارزوی
میانش برزین کمر کرده بند

نمائد آنکهی جایگاه سخن
سوی خیمه دخت ازاده خوی
ببرده در آمد چو سرو بلند

♦ تهمنه در برابر رستم می گوید:

کس از پرده بیرون ندیدی مرا

نه هرگز کس آوا شنیدی مرا



◆ یوسف بخشی خوانساری

عریان مکن ای دختر زیبا تن خود را
جمعند در اطراف تو مردان هوس باز
در راه تو بس اهرم‌نشد به هر کوی
ز تهار به تقلید زن و دختر غربی
الوده مکن با هوس هرزه درایان
مردی که تو را می برد از راه به اندرز

◆ پادشاه خاتون صفوه الدین

من آن زنم که همه کار من نکو کاری ست
درون کله عصمت که تکیه گاه من ست
جمال سایه خود را دریغ می دارم

◆ فخری عادل خلعت بری

جمال زن نه خطا و زلف پر شکن باشد
نه زوب اطلس و نه جامه کرب زور زت
جمال زن به حقیقت کمال عفت اوست

◆ محمود خان افشار یزدی

به شناخت کسی افکند گرت تیر نگاه
وریه خیره نگران گشت به رویت ز آن بیش
گوهر عشق به هر عاشق وفاسق منما
زبنتی نیست به از زینت عفت به زنان
دختری را که جز آرایش خود سودا نیست
خلق دریا ، تو مسافر و پدر کشتی بان
مادر از حالت دختر خبرش بیش بود
پس اگر دختری افتاد به راه کج و بد

پرده ز تهار میفکن ز رخ چون قموت
قموت گفتم و تشبیه خطا کردم از آنک
- غلظه بر روی مکن وسعه بر بروی مشک
- بهترین زینت دختر نه مگر عفت اوست

◆ محمدرضا آقاسی

ای عاشق مدعی رنگارنگ
ای فریفته لیسهای روشن و تنگ
در خیالان چهره آرایش مکن
از جوانان سلب آرایش مکن
زلف خود از روسری بیرون مریز
در مسیر چشمها افسون مریز
یاد کن از آتش روز ععاد
طرزه گیسو مده در دست باد
خواهرم دیگر تو کودک نیستی
فلش تر گویم غروسک نیستی



◆ پروین اعتصامی

کس چو زن لکن سیاهی قرنیا منزل نداشت
سادگی و پاکی و پرهیز؛ یک یک گوهرند
از زر و زیور چه سود آن جا که نالان ست زن
غمیها را جامه پرهیز پوشانده ست و بس
زن سیکساری نیند تا گرانسنگ ست و پاک
زن چو گجورست و عفت گنج و حرص و از؛ دزد
جلوه صد پریان، چون یک قیای ساده نیست
اهرمن بر سقره تقوی نمی شد مهجان
یا به راه راست باید داشت کاندل راه کج
چشم و دل را پرده می بایست، اما از عفاف

◆ دکتر قاسم رسا

راحت مرد از وجود زن ست
مرد را بی نیاز از هر چیز
همسر خوب و مهربان و عقیف

زنان بوقیوس را مدیریت
ز گیتی مد پرستی محو یاد

◆ میرزاده عشقی

آن زن که عقیف و بی کمال ست
آن میوه که بو ندارد اصلاً
ز آن دوست ، عهد با عدو بند

◆ دکتر دلفی

زن ای که حسن روی تو آینه خلعت
با پرتیان پیکر نازکتر از سمن
- زن چون عقیف گشت و سخندان و پارسا
این جامه های شعر و ادب ای زن عقیف!
در وصف سیرت تو هر آنچه سروده اند
باید صفای روح ببیلی که گیمایست

خواهرم ای دختر ایران زمین
یک نظر عکس شهیدان را بین
خواهر من این لباس تنگ چیست؟
پوشش چسبان رنگارنگ چیست؟
خواهرم اینقدر طنابزی مکن
با اصول شرع لجبازی مکن
در امور خویش سرگردان نشو
نوعروس چشم نامردان نشو

کس چو زن در معبد سالوس قربانی نبود
گوهر تابنده تنها گوهر کافی نبود
زیور و زر پرده پوش عیب نادانی نبود
جامه عجب و هوی بهتر ز عریانی نبود!
پاک را آسیبی از الوده دامانی نبود
وای اگر آگاه ز آیین نگهبانی نبود
عزت از شایستگی بود از هوسزانی نبود
زان که می دانست آن جا، جای مهمانی نبود
توشه ای و رهنوردی جز پشیمانی نبود
چادر پوشیده، بنیاد مسلمانی نبود؟

خاصه آن که مهربان باشد
می کند زن جو کاردان باشد
بهترین نعمت جهان باشد

کشاند از بلندی سوی پستی
که مردان را کند ساقط ز هستی

ز آن عالمه لوند بهتر
ز آن میوه که کرده گند بهتر
کابینه نیم بند بهتر

گاه صفا دل تو چو جام جهان نماست
رتداه می بری تو دل از خلق و این خطاست
دبدر لو هزار غم و درد را دولت
بر پیکر شریف تو بسیار ناراست
این شعرها یکی ز هزاران هزاراست
زن، ای که حسن روی تو آینه خلعت



◆ نسرین پرومند

نمی خواهم جو غم در کلبه هر بینوا باشی
نمی خواهم چنین ملناز و مست و دلریا باشی
نباید با جو من یاری از این پس بی وفا باشی
نمی خواهم جو من مست دو چشم گهرا باشی
که هرجا می روی آخر نگار، سال ما باشی

نمی خواهم که جز من یا نگاری آشنا باشی
نمی خواهم که باشی شمع در هر مجلس و محفل
نمی خواهم کسی را جادهی جز من به قلب خود
نمی خواهم نگاهت را به کس جز چشم من دوزی
بر آید این سخن همزه آه از سینه نسرین

◆ اوحدی مراغه ای

ترا خواهم که دی بودی و امروزی و فردایی
ترا رخ هاست کان رخ ها به غیر خویش نمای

دایم وجود خویش را اتر حصار دار
این خانه در تصرف خود مستعار دار
این چشمه را ز خاک طمع بی غبار دار

نمی خواهم کسائی را که امروزند و فردا نه
از آن خویشی کند یا تو دل بیخود که در پرده

از عفت و طهارت و پاکی و روشنی
دنیا جو خانه ایست تراه بر سر دو راه
خوش چشمه ایست طبع تو در مرعزار تن

◆ محتشم کاشانی

از بس که دارد از نظر مردم اجتناب
تا محرمی بر آن مه خورشید احتجاب
معمار کارخانه احساس منع خواب
ترسم که عصمتش کند لغزش در عتاب
بیرون برد قضا هم از آئینه هم ز آب
بوی کسی نبرده نسیمی به هیچ باب

در هفت پرده کرده ز چشم جهان نهان
الا عفاف سیده آخرالزمان

وز شرم کسی نکرده نگه در رخس فرست
در خواب نیز تا نتواند نظر فکند
نبود عجب اگر کند از دیده ذکور
خود هم به عکس صورت خود گر نظر کند
فرمان دهد که عکس پذیری به عهد او
آن مریم زمان که به عفت سبای او

معصوم می ستیزه که ستر واحدش
از عفتش فزون توان یافت عفتی

◆ صائب تبریزی

گر توانی، آشنایی با نگاه خود مکن
خلوت آینه را هم جلوه گاه خود مکن

سر مه را هم محرم چشم سیاه خود مکن
قلعهی من! عکس در شرع حیا نامحرم است

◆ دکتر محمد حسین میمندی نژاد

ترا دوست دارم
با کمال میل سر در قدمت می نهیم
می خواهم برای تمام عمر،
اسبی گیسوی تو باشم
حاضر من زندگی ام را فدای تو کنم
به شرط آن که

گلپای بهار نارنجی را که تقدیمت می کنم
بپذیری
در این گلپای رازی نهفته است،
نصیر می کنویی میل نباشی آن راز را
کشف کنی
آیا بوی پاکدامنی و عفت به مشامت
نمی رسد؟

◆ ملک الشعرای بهار

زلف سترده مده به باد که در شهر
جانوی افتد میان مرد و زن اتر



با شاعران پارسی ۴۷

◆ اسماعیل دهقان

که عبادا ببرند از ره عفت به درت
برده چادر ز تو بنهند کلاهی به سرت
تا که موران ننمایند طمع بر شکرت
رخ بیوشان و بز آن بد نظران در نظرت
تا که بیگانه نلزد ز تو یکتا گهرت
باش هشیار که طرار نجسند ثمرت
فرض شد علم ز پیغمبر نیکو سیرت
«برده زبهار میفکن ز رخ چون قمرت»

دختر! می کنم از مقلده کاران خبرت
تا خبر دار شوی یا به قلم یا تبلیغ
ای شکر خنده بر آن تنگ شکر روی بیوش
آخر از جنس لطیفی تو، نظر داشت کثیف
- زیور و زینت خود جز به محارم منمای
- ای درخت چمن آس چوات میوه رسید
- علم آموز ولی علم زنان بی مردان
- نه ز دهقان ولی از دکتر افشار شنو

◆ مهیندخت دارایی

نماید برسیه بختی گرفتار
نشیند بی نشاط و تند و اخمو
سر شوخی و لطف و ناز آید
که باید پیش مهمان پاک رو بود
که چرکین می شود پهنده را دل
رخس صابون و موش روی شانه
بیرایند خودش را شاد و مسرور
که می باشد برای کوی و بازار
بهین زینت ولیکن عفت اوست
رخ نیکوی آن از آن شویست
که از شرم و حیا گردد هویدا

همانا از تکاب دو گنه کرد
ز درگاه خدا مغفور گشتن
نمودن همسر خود را خیالت

بسا زن را که سوء رسم و رفتار
بود در خانه تا همصحبث شوی
جو یک پیگانه از در باز آید
دهد زینت به روی و موی خود زود
لباس متفرس پوشد به منزل
نشیند تا بود در توی خانه
جو پیش آید یکی مهمالی و سور
زهی آرایش بی ارز و مقلار
خود آرای زنان را گرچه نیکوست
اگر زن صاحب روی نکویست
خوشا آن سرخی لعل روی زنها

اگر زن ابروی خود تیه کرد
یکی: از راه عفت دور گشتن
دوم: بر سر نیلورتن امانت

◆ نصرت عبدالحسین (منشی)

به نیکویی سزای هرچه گویی ست
نه آزادی که عفت را زباید
همه کردند آزادی بهانه
همه زلف عبیر افشان زدودند

زن نیکو، طراز هر نیکویی ست
- خوش آزادی که از عفت بزیاید
نکوهیده زنائی ز این ترانه
بدین هم نیز لختی بفرودند

◆ ژاله اصفهانی

تست گر ساده جمال تو تماشایی نیست
جلوه گر همچو گل و لاله صحرایی نیست
روغن و رنگ تو رامظهر زیبایی نیست
عاشق نرگس مست دل سودایی نیست
وزنه فخرش به خود آرای و رعنائی نیست
که فروزنده تر از شعل دلبابی نیست

جلوه حسن تو ای زن به خود آرای نیست
آن گل تازه به گلشن بلورین هرگز
گرد آوان چه زلی بر رخ پاکیزه خوش
روی گلگون تو گر ساده نباشد ای مه
سره، مشهور چمن گشت ز آزادی طبع
ژاله دانش بطلب تا بفروزد جانت



محبوب همیشه در حجاب



♦ صائب تبریزی

مرو از پرده برون بر اثر نکبت زلف

از حجاب حسن شرم آلودی لیلی، هنوز
گرمها در پرده دارد عیشهای بی‌گمان

♦ عطار نیشابوری

جانا بسوخت جان من از آرزوی تو
چندین حجاب و بنده به ره بر گرفتاری
چون مشک در حجاب شدی در میان جان

ای در حجاب عزت پنهان شده ز غیرت
تو همچو آفتابی در پرده‌ها نشسته
ای جان ما چو آدم شادی هشت جنت

♦ فروغی بسطامی

تو در حجاب رفته به چندین هزار ناز
می‌گیرد آفتاب ز دود درون ما

♦ خاقانی

چندان که مجاور حجابی

دردا که چو گل پرده‌ی خلوت بدرید



♦ حافظ

همه عالم گواه عصمت اوست
پرده دار حریم حرمت اوست

♦ محتشم کاشانی

چشم نرگس چون شود در فتنه‌سازی بی‌حجاب
سرو چون نازد به خوبی در بهارستان ناز
دامن گل در چمن بلبل چو آلاید به اشک

ای ماه چارده ز جمال تو در حجاب
خورشید در مقدمه‌ی شب کند طلوع

از من نهفته مانده به بزم از حجاب حسن

میسوختی چو ز آتش می پرده‌های شرم

آن کایستاده به رویت نقاب بود

در پرده عذار او در بسته گلستانی

♦ فخرالدین عراقی

کی برون آیی ز پرده آشکار؟
چند رو گردانی از سرگشته‌ای؟

دمی از پرده بیرون آیی، باری
دمی از پرده بیرون آیی، باری

من ز عشق تو پرده بدریدم
تو ز من فارغ و من از غم تو

عفت عشق و صلیق یار نگر

باری است مرا و باری پرده
این پرده مرا ز تو جدا کرد

از حجاب ترگس فتن من یاد آورید
از سببی سرو نگارستان من یاد آورید
از من و از پاکی دامان من یاد آورید

حیران آفتاب رخت چشم آفتاب
بعد از غروب اگر ز جمال افکنی نقاب

روئی که آن نهفته نمی‌گردد از نقاب

آن کایستاده به رویت نقاب بود

آه کجاست تا کند بر طرف این حجاب را

در رمز دهن او سر بسته معنائی

چند روی خوب را پنهان کنی؟
عاجزی را چند سرگردان کنی؟

که کلی پرده‌ی صبرم دریدی
که جمله بستگی‌ها را کلیدی

تو نشسته درون پرده به ناز
کرده هر لحظه توحشهای آغاز

حسن تدبیر و ختم کار نگر

انوار رخسای سواي پرده
این است خود اقتضای پرده





◆ شهریار

دارد متاع عفت از چار سو خریدار
جز وصف پیش رویت در پشت سر نگویم
من شاه کشور ادب و شرم و عفت
او در حرم هفت سرا پرده‌ی عفت
در گلشن دل آب و هوایی است بهشتی
نالدم پای که چند از پی یارم بدوایی
من سراپا همه شرمم تو سراپا همه عفت
چشم خود در شکن خط بنهفتم که بدزدی
به غزل چشم تو سرگرم بدارم من و زیباست
او در حرم هفت سرا پرده‌ی عفت

◆ اوحدی مراغه‌ای

چيست آن شهریار در پرده؟
پرده از روی برگرفت آن ماه
همه گلها از او شکفته و باز
پرده داری بدوستان دلاست
از پس پرده جمله حیرانند
همه را رخ به خون دیده نگار
تا به کتون پردمشین بود یار
خود به طلب دیدم و راهی نبود
یار من از پرده همی کرد زور
چون که دل پردمشین چندگاه
غنچگان را گر چه بر گل پرده پوشی عداست
پرده‌ی صد دل به دریدن به جور

◆ جلی

در پرده تو را خجسته ماهی‌ست
کز چشم دلت بدو نگاهی‌ست



◆ مولوی

که پس گل مشک دو هزار منظر آمد
هیچ اندریند خویش و خودنمایی نیستم
اندر پس پرده راد باثیم
شکران و ماه رویان همه همچو مه مطهر
دردی بریخت بر رخ گلزار شرم تو
چه بتها می‌نگاری اندر این دل
به غایت آشکاری اندر این دل

ز حجاب گل دلا تو به جهان نظارای کن
در غم آنم که او خود را نماید بی‌حجاب
بز چهره یوسفی حجابی است
تن تو حجاب عزت، پس او هزار جنت
صافی شرم توست نهان در حجاب غیب
چه کارستان که داری اندر این دل
حجاب عزت از یستی ز بیرون

◆ شیخ محمود شبستری

پس از وی حکمت و عفت شجاعت
شده ، همچون خمود از وی شده دور

اسول خلق نیک آمد عدالت
به عفت، شهوت خود کرده مستور

◆ سعدی

فته می‌جویی نقابی برفکن
تصرف عکن در کز و راستم
اندکی بینا و دیگر در تقابت دیدمی
کاش پنهان از رقیبان در حجابت دیدمی

صعقه می‌خواهی حجابی درگذار
چو ظاهر به عفت بیاراستم
ور جو خورشیدت نیم کشکی همچون هلال
از منت دائم حجابی نیست جز بیم رقیب



پوشش در ادیان

□ پوشش در ادیان الهی

پوشش در ادیان تلاشی است تا نشان دهد که همه ادیان الهی، بشر را به عفاف و پوشش نه تنها دعوت، که امر کرده‌اند.
گرچه تحریف در کتب مقدس باعث شده تا جوانی از این امر مورد اقرار و تقریب قرار گیرد.

□ پوشش در آیین زرتشت

در کتاب گاتا چند اصل اساسی است که اصول آموزشی زرتشت محسوب می‌شود. از جمله آزادی مطلق انتخاب امنیت کامل و ...

تاکید و سفارش موبدان به حفظ پوشش و حجاب برگرفته از اصول اساسی این آیین در کتاب آسمانی گاتا زرتشت است. اصولی چون امنیت کامل ایجاب می‌کند که بیرون این آیین پوشش و حجاب را رعایت کنند اصل آزادی اقتضای می‌کنند جهت عدم سلب آزادی دیگران و عدم تهییج قوه شهویه دیگران پوشش و حجاب را رعایت کنند.

"اشو زرتشت" نه تنها با تقریر و تنفیذ خود بر حدود و کیفیت رایج حجاب و عفاف صحنه گذاشته بلکه برای تعمیق آن با پندهایی کوشیده است تا ریشه‌های درونی حجاب را مستحکم نماید. (علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۳۷).

از اندرزهای "اورباد ماراپسند" موبد موبدان: دختر با حیا را دوست بدار و او را به مردی هوشیار و دانا به عروسی ده، زیرا مرد داناو هوشیار مانند زمین نیکی است که چون تخم در آن بکارند حاصل نیک و فراوان به عمل آید با زن فرزانه و با حیا عروسی کن او را دوست بدار زن دیگری را فریب مده که رواست گناه نگردد. (سالنامی ۷۲، انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰).

با توجه به متون تاریخی در زمان زرتشت اگرچه زن با آزادی در محیط بیرون از خانه رفت و آمد می‌کرد و یا همبای مردان به کار می‌پرداخته ولی این امور با حجاب کامل و پرهیز شدید از اختلاط‌های فساد انگیز همراه بوده است. (علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۱۵).

ویل دورانت مورخ مشهور نیز می‌نویسد: در زمان زرتشت پیغمبر، زنان همانگونه که عادت پیشینیان بود، منزلت عالی داشتند و با کمال آزادی و روی گشاده در میان مردم آمد و شد می‌کردند و صاحب ملک و زمین می‌شدند و در آن تصرفات مالکانه داشتند پس از داریوش، زنان طبقات بالای اجتماع جرأت آن را نداشتند که جز در تخت روان سربوش دار از خانه بیرون بیایند و هرگز به آنان اجازه داده نمی‌شد که آشکارا با مردان آمد و رفت کنند زنان شوهردار حق نداشتند هیچ مردی را ولو پدر و برادرشان باشد، بیستند در نقش‌هایی که از ایران باستان برجای مانده است، هیچ صورت زن دیده نمی‌شود و نامی از ایشان به نظر نمی‌رسد (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱ ص ۵۵۲؛ علی محمدی آشنائی، حجاب در ادیان الهی ص ۱۲۰-۱۲۱، حجاب آزادی یا اسارت ص ۳۸-۳۹).



پوشاک عمومی یک بانوی زردشتی مربوط به گذشته‌ی نزدیک





جشن تکلیف دختران زرتشتی (معاصر)

لباس مذهبی زرتشتیان

زرتشتیان دارای جامه ویژه مذهبی هستند که فرد پسر یا دختر، پس از رسیدن به سن پانزده سالگی، باید آن را به تن کنند. بگونه‌ای که پوشیدن آن جامه مذهبی باعث ایجاد دیو «دروغ ناسو» شمرده شده است (دروغ ناسو، نام دیو ناپاکی است که تماس وی برای انسان بسیار خطرناک است و عواقب وخیم دارد و هنگام جدا شدن روح از بدن به انسان حمله می‌کند (وندی داد، ص ۱۲۳، ۲۵۳).

این لباس «سدره و کشتی» نام دارد و کیفیت آن، که می‌تواند پوشش کاملی برای زنان به حساب آید بدین شرح است:

«سدره» که جامه دینی ویژه زرتشتیان است باید از نه پاره پارچه سفید و نازک دوخته شده و در زیر پیراهن چسبیده به بدن پوشیده شود ... سدره در اوستا «ستره» نامیده شده. «ستره یعنی جامه تیک اندیشی، علمای اسلام نیز برای بیان حکم حجاب از واژه ستر استفاده کرده‌اند.

«کشتی» کمر بند پارکی که از پشم گوسفند بافته شده و باید پیوسته آن را بر روی سدره به کمر ببندند.

کمر بستن «کشتی» نشانه پیمان و کمر بستن به بندگی خداوند یکتا و آماده بودن برای پیروی از دستورهای اوستا (مؤید رستم شهرزادی، دین و دانش، انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۵۷)

آیین سدره پوشی

برابر با یک روش کهن و پذیرفته شده باستانی، همه جوانان دختر و پسر باید آیین سدره پوشی را انجام دهند تا زرتشتی شناخته شوند. در پاره سنی که باید آیین انجام شود، دیدگاه‌های چندینی وجود دارد. برخی انجام آن را هنگامی که جوان به سن بلوغ رسید و توانایی شناخت خوب از بد را دارد، سفارش می‌کنند و برخی دیگر انجام آنرا پیش از رسیدن به سن بلوغ لازم می‌دانند. امروز در ایران کودکان را آیین سن هفت و یازده سالگی سدره پوشی می‌کنند (دیدنی تو از دینی کهن، دکتر فرهنگ، ص ۱۶۳؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۳۹)

نقاشیهایی موجود و تصاویر بدست آمده از دوران قدیم بیانگر این موضوع است که زرتشتیان در طول تاریخ پوشش کاملی داشته‌اند که معمولاً این پوشش برای آقایان کلاه و لباس بلند و شلوار بوده است و برای خانمها نیز چارقد بوده است که سر آنها را می‌پوشانیده است و گاهی به جای چارقد از کلاهی بنام لچک استفاده می‌کردند که تا سالیان قبل نیز در میان زنان روستایی شهرهای جنوبی استان کرمان (شهرهای کنونی جیرفت، کهنوج، منوجان، عنبرآباد، رودبار و قلعه گنج را در بر می‌گیرد) مرسوم بوده است (حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۳۸). پوشاکی که بانوان زرتشتی از آن استفاده می‌کنند شباهت بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر ما دارد چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری و طرز استفاده آنان است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و برش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری می‌باشد با این تذکر، پوشاکی که بانوان زرتشتی با اندکی ساده کردن و یا گرایش تدریجی به سوی مد روز از آن استفاده می‌کنند عبارت است از: کلاهک، پیراهن روبی، روسری، شلوار و کفش که به تقلید از کفشیهای شهری تهیه می‌شود. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵)

روسری پارچه‌ای است رنگین و با نقش و نگار و به طول در حدود سه متر و نیم و عرض یک متر، که به طرز بانوان بختیاری روی کلاهک می‌گذارند و برای استوار ماندن بر سر، با دستمالی کلاغی، روی آن را می‌بندند. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵)

شلوار بانوان از لحاظ برش با شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی یکسان است، جز اینکه ساقه‌های شلوار به جای یک تکه بودن از تکه‌های باریک و الوان و نقش و نگاردار هستند دمپای شلوار را نیز به وسیله بند به دور ساق و مچ پا جمع می‌کنند و کمر آن نیز لیفی است. (سالنمای ۱۳۷۲ انجمن زرتشتیان تهران، پوشاک باستانی ایرانیان، فصل پوشاک اقلیتهای میهن ما، ص ۲۶۵)

روش عملی زنان زرتشتی، جامعه ویژه زرتشتیان، لزوم پوشاندن موی سر در مراسم عبادی و حرمت نگاه بر زنان و پند و اندرزهای دینی نشانگر تشریع حجاب در آیین زرتشت و بیانگر حدود کیفیت حجاب از دیدگاه آنان است (علی محمد آشنائی، حجاب در ادیان، ص ۱۱۵)



زن زرتشتی سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اتر: هاتری رنه دالماتی (دوره قاجار)



زنان و مردان زرتشتی سفرنامه از خراسان تا بختیاری
اتر: هاتری رنه دالماتی (دوره قاجار)



روچوب پوشاندن سر در مراسم مذهبی

از نظر دین زرتشت بر هر یک از مرد و زن واجب است که هنگام انجام مراسم عبادی و نیایش، سر خود را بپوشانند. بنا به گفته مؤید «رستم شهرزادی» پوشش زنان باید به گونه ای باشد که هیچ یک از موهای سر زن از سرپوش بیرون نیفتد. در خرده اوستا به طور صریح چنین آمده است:

نامی زت واجیب، همگی سر واپوشیم و همگی نماز و کریم بدادر هور مزد. (خرده اوستا، فصل آفرینگان دهمان)
یعنی همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می پوشیم آنگاه به درگاه دادار اهورا مزدا نماز می کنیم.

حرمت نگاه ناپاک به زنان

دین زرتشت بر سه اصل اساسی یعنی اندیشه نیکه، گفتار نیک و کردار نیک بنیان گذاشته شده است. مؤیدان در تفسیر اندیشه و کردار نیک می گویند:

یک زرتشتی مؤمن می بایست از نگاه ناپاک به زنان دیگر دوری جوید.

در اندرز «آفرید ماراسپند» مؤید موبدان آمده است:

مرد بد چشم را به معاونت خود قبول مکن. (سالنامه ۱۳۷۲ چاپ انجمن زرتشتیان تهران، ص ۱۰)

در نصیحت فوق علاوه بر تأکید بر لزوم پرهیز از بد چشم بودن از قبول نمودن آنان (که در نگاه ناپاک هستند) حتی به عنوان معاون و کمک یار نهی شده است.

توصیه زرتشت به دختران و پسران

زرتشت در «گات ها یسنا پنجاه و سه بند پنج» به پسران و دخترانی که می خواهند با هم پیمان ازدواج ببندند پند و اندرز می دهد که:

ای دختران شوی کننده و ای دامادان اینک بیاموزم و آگاهتان کنم با غیرت از برای زندگی پاک منشی بجوید. (اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، عبدالعظیم رضایی، ص ۱۴۱؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۲۸)



□ پوشش در آیین یهود

در مواضع متعددی از کتاب مقدس «تورات» و کتاب فقهی «تلمود» که یکی از کتابهای مهم دینی و در حقیقت فقه ملون و آیین‌نامه زندگی یهودیان است به طور صریح و روشن وجوب پوشش سر از نامحرمان در بیرون از خانه، حتی برای عبور از راه مخصوص بین دو خانه، نهی از تشبیه زن به مرد و بالعکس در لباس پوشیدن، منع لمس و تماس و اختلاط با زن بیگانه، پرهیز از آرایش و ناز و غمزه و به صدا درآوردن خلیخال‌های پا که موجب نزول قهر و عذاب الهی می‌گردد بیان شده است. (حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنائی، ص ۱۰۲)

پوشش کامل در مقابل نامحرم

در سفر پیدایش چنین می‌خوانیم:
ورقعه چشمان خود را بلند کرده و استحقاق را دید و از شتر خود فرود آمد، زیرا که از خادم پرسید این مرد کیست که در صحرا به استقبال ما می‌آید و خادم گفته آقای من است، پس برقع خود را گرفته، خود را پوشانید.
در تلخیص و گزیده‌ای از متن کتاب تلمود با نام «گنجینه‌ای از تلمود» می‌خوانیم:
"واگر رفتار زن فضیحت آمیز باشد شوهر حق دارد او را بدون پرداخت مبلغ "کتوبا" (مهریه) طلاق دهد و زنایی که در موارد زیر به رفتار و کردار آنها اشاره می‌شود از دواجشان باطل است و مبلغ کتوبا به ایشان تعلق نمی‌گیرد: زنی که از اجرای قوانین دینی یهود سرپیچی می‌کند و فی‌المثل بدون پوشاندن سر خود به میان مردان می‌رود، در کوچه و بازار پشم می‌ریسد و با هر مردی از روی سیکسری به گفتگو می‌پردازد، زنی که در حضور شوهر خود با والدین او دشنام می‌دهد و زن بلند صدا که در خانه با شوهر خود به صدای بلند درباره‌ی امور زنانه‌ی صحبت می‌کند و همسایگان او می‌شنوند که چه می‌گوید." (آراب اماکهن، گنجینه‌ای از تلمود، ص ۱۸۶، میشتاکتوبوت ۷۶، حجاب در ادیان الهی ص ۱۵۲ و ۱۵۳)

آنچه از این نوشته برمی‌آید آن است که:

در تلمود مجازات سنگین «حلاق بدون پرداخت مهریه» برای متخلفین از قانون حجاب پیش‌بینی گردیده است. ویل دورانت مورخ مشهور نیز می‌نویسد اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت مثلاً بی‌آنکه سر را پوشانده باشد به میان مردم می‌رفت یا با هر سخی از مردان در دل می‌کرد یا صدایش آنقدر بلند بود که چون در خانه‌اش تکلم می‌کرد همسایگانش می‌شنیدند سخنان او را در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهر زن را طلاق دهد. (تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱۲/ ص ۳۰)

تصویر ملکه استر

(همسر یهودی شاه ایران، خسایار شاه، قرن ششم ق م)

که با نفوذ خود برای نجات هم کیشانش اقدام کرد.
(نقاشی مربوط به قرن ۱۶)



تصویر یک عروس یهودی (پوشش سر در آن مشهود است)

قرن ۱۶ میلادی، نقاشی منتخب از موزه لوور



یک مدرسه دخترانه یهودی



پرستاران یهودی سال ۱۹۱۸



▲ زن یهودی بخارا، اوایل قرن بیستم



▲ تصویر بانوی یهودی در قرن ۱۶ که به نقاشی در آمده است. نوع پوشش خاص یهود در آن زمان با رعایت حجاب مشهود است.

حد و کیفیت پوشش زنان یهود

در تورات از چادر، برقع و روپنده ای که زنان با آن، سر و صورت و اندام خویش را می پوشانده اند به طور صریح نام برده شده است، که نشانگر کیفیت پوشش زنان یهود در آن عصر است. برای نمونه، در کتاب روت می خوانیم:

بوغز به آن زن گفت: چادری که بر تو است بپار و بگیر. پس آن بگرفت و او شش کیل جو پیموده بر وی گذارد و به شهر رفت.

(تورات، کتاب روت، باب سوم، قفزه ۱۵)

در مورد عروسی یهودا می خوانیم:

پس رخت بیوکی را از خویشان بیرون کرده، برقی به رو کشیده و خود را در چادری پوشید و به دروازه عینایم که در راه تمه است بنشست. (تورات سفر پیدایش باب ۳۸، قفزه ۱۴-۱۵)

در مقام مقایسه یکی از نویسندگان چنین می نگارد:

گرچه پوشش در بین عرب مرسوم نبوده و اسلام آن را بوجود آورد ولی در ملل غیر عرب به شدیدترین شکل رواج داشت، در ایران و در بین یهود و مللی که از فکر یهود پیروی می کردند، حجاب به مراتب شدیدتر از آنچه اسلام می خواست، بوجود داشت. در بین این ملتها وجه و کفین (صورت و دستها) هم پوشیده می شد، حتی در بعضی از ملتها سخن از پوشیدن زن و چهره زن نبود بلکه سخن از پنهان کردن زن بود و این فکر را به صورت یک عادت سفت و سخت در آورده بودند (ابوالقاسم استخری، حجاب در اسلام، ص ۵۰). حجاب در ادیان الهی، علی محمدی اشکانی (قم، باقوت ۱۳۷۸) ص ۱۵۵؛ حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۵ در قرن شانزدهم زنان برای پوشاندن موهای سرشان از "شتیل" (نوعی روسری) استفاده می کردند. عروس هنگام ازدواج و بعد از آن تا زمانی که متاهل بود در مقابل نامحرمان موهای خود را با شتیل می پوشاند. زنان یهودی مشرق زمین مانند دوران کهن از چادر استفاده می کردند. اگر چه هنوز هم زنان پارسا در بعضی فرقه ها نظیر فرقه حسیدیم از "شتیل" برای پوشاندن موها استفاده می کنند. معلمان مذهبی یهود هنجارها و آداب بسیار دشواری را در جامعه برای حفظ عفت زنان بنا نهاده بودند اما فرهنگ غالب در جامعه ای که یهودیان زندگی می کردند همیشه آداب یهودیان را تحت تاثیر خود قرار داده است برای مثال زنان شرقی یهود در دوران کهن، سر خود را با چادر می پوشاندند و آن عده که با وقارتر و صاحب جاه و مقام بودند چادر خود را تا روی صورتشان پایین می آوردند. سنت یهودیان فلسطین مبنی بر پوشاندن چهره در قرون وسطی نیز رایج بود اما این سنت در میان یهودیان بابلی زیاد رواج پیدا نکرد (زن در ادیان بزرگ، مجیم هولم و جان بوکر، ص ۳۱۱ و ۳۱۲؛ حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۱۷)

معلمان مذهبی یهود بر عفت و پاکدامنی زن تاکید خاصی دارند. دین یهود به ارزش گذاری بر حفظ وقار و حجاب تاکید خاصی دارد (کتاب پیدایش ۲۴) (زن در ادیان بزرگ جهان، جیم هولم و جان بوکر، ص ۲۰۹؛ حمزه، عباس، حجاب در ادیان الهی، (نشر باقوت ۱۳۸۵) ص ۱۱۶)





دختران یهودی، دیلاوا، سفرنامه، (دوره قاجار)



دختران یهودی اثر: دیلاوا، سفرنامه (دوره قاجار)

نهی از آرایش در برابر نامحرم

ویل دورانت در مورد لزوم سکوت زن و پرهیز از آرایش نزد مردان می گوید:
 به تفصیل تمام از پرگوئی زن اظهار تأسف می کردند (ده پیمانه سخن از آسمان بر زمین نازل گردیده پیمانه را زنان برداشتند و یکی را مردان) اعتیاد زنان را به استعمال سرباب و سرمه، نکوهند می شمردند. موافق بودند که مرد باید برای پوشاک زن خویش سخاوتمندانه خرج کند لکن غرض آن بود که زن خود را برای شوهر خویش بیاراید نه برای سایر مردها. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱ ص ۳۱ بحجاب در ادیان الهی ص ۱۵۰) حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۲ و ۴۳)
 در تورات می خوانیم:

و خداوند می گوید از این جهت که دختران صهیون یا گردن افراشته و غمزات چشم راه می روند و به ناز می خرامند و به پایهای خویش خلخالها را به صدا می آورند * بنابراین خداوند فرق سر دختران صهیون را کل خواهد ساخت و به عوض عطریات عقوبت خواهد شود و به عوض کمر بند ریسمان و به عوض مویهای بافته کلی و به عوض سینه بند زنار یلاس و به عوض زیبایی، سوختگی خواهد افتاد * و دروازه های وی ناله و ماتم خواهند کرد و او خراب شده بر زمین خواهد نشست! (تورات، کتاب اشعیا، باب سوم، فقره ۱۶-۲۶)

اهمیت نگاه نکردن به نامحرم

در کتاب شمع بن سیرا در مورد عدم نگاه به نامحرم چنین آمده است:
 به دختر جوان خیره مشو، نگاه خویش از زن زیبا بگردان و به زیبا روی بیگانه خیره مشو، چه بسیار کسان که زیبایی زن به گمراهی شان کشانده است و عشق چون آتش از آن برافروخته گشته است. (کتابهای از عهد عتیق (کتابهای قانون تالی - ترجمه پیروز سیار - ص ۴۵- کتاب شمع بن سیرا) حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه ص ۱۱۹)
 ویل دورانت در جایی دیگر در مورد اجتناب از نگاه به نامحرم در شریعت یهود می نویسد: پارهای از علمای یهود با این احکام عیسی موافق بودند که شخص ممکن است از راه چشم مرتکب زنا گردد بعضی پای مبالغه را از این فراتر نهاده مدعی بودند که هر کس حتی به انگشت کوچک زنی نظر دوزخ در قلیش مرتکب گناه گردیده است (حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنایی، ص ۱۰۲)

فرمان یهود به زن شوهر دار چنین بود: چشمت باید به شوهرت باشد و او بر تو حکومت خواهد کرد. (حجاب در ادیان الهی، ص ۱۵۰)

لزوم پرهیز از هر امر تحریک آمیز

ویل دورانت می نویسد:
 " - شخص باید از هر وضعی که منجر به تهیج هوا جس نفسانی شود احتراز جوید، نباید بیش از اندازه تکلم نماید و هرگز نباید به هنگام راه رفتن در عقب زنی، - حتی زن خویش - قدم بردارد... حتی اگر در عقب شیر زیان گام بردارد بهتر است تا از فقای زنی حرکت کند. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۲ ص ۲۸؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۵۱)
 ماجرای حضرت موسی و دختران حضرت شعیب نمونه ای کامل از کنترل نگاه و نهی از نگاه کردن به پشت زنان است:

هنگامی که حضرت موسی از مصر به مدین آمد دخترانی را در کنار چاه دید که می خواستند برای گوسفندان خود از چاه آب بکشند و می آنگه به آنها نگاه کند به آنها کمک کرد. پس از اطلاع حضرت شعیب از ماجرا، ایشان یکی از دخترانش را نزد موسی فرستاد تا او را به خانه اش دعوت نماید. در مسیر راه برای اینکه دختر شعیب راه را نشان دهد جلوتر از موسی به راه افتاد و باد لباس او را جابه جا می کرد. موسی این کار را خلاف عفت و غیرت دید به دختر شعیب فرمود: تو پشت سر من راه بیا هر جا که من در راه رفتن خطا کردم (تو با انداختن سنگ مسیر راه را به من نشان بده) او نیز از روی حیا و عفتی که داشت، چنین کرد. (حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه ص ۱۱۹ و ۱۲۰) تفران کریم، سوره قصص، آیه ۲۵)





زنان با روبنده سیاه یهودی
وزنان با روبنده سفید
مسلمان هستند
(عکس از مطب
دکتر دانیال قرن ۱۳ هـ)



زنان یهودی در حال عبادت بر دیوار ندبه



باتوان یهودی در کنیسه، معاصر

پرهیز از زنان فریبکار و بیگانه

در کتاب امثال سلیمان نبی چنین آمده است:

ای پسر من اوامر پدر خود را نگاه دار * زیرا که احکام (ایشان) چراغ و تعلیم (ایشان) نور است * و توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است * تا تو را از زن خبیثه نگاه دارد * و از جاپلوسی زبان زن بیگانه * در دلت مشتاق جمال وی میباش * و از پلکهایش فریفته مشو! تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب ششم، فقره ۲۰-۲۶

به حکمت بگو که تو خواهر من هستی * و فهم را دوست خویش بخوان * تا ترا از زن اجنبی نگاه دارد * و از زن غریبی که سخنان تملق آمیز می گوید * (تورات، کتاب امثال سلیمان نبی، باب هفتم، فقره ۱-۱۰)

عدم تشبیه مرد و زن به یکدیگر

در تورات آمده است:

متاع مرد بر زن نباشد و مرد لباس زن را نپوشد زیرا هر که این را کند مکروه یهود خدای تو است (تورات سفر تثئیه، باب ۲۲، فقره شصتیز سفر پیدایش باب ۲۲، فقره ۶۴ و ۶۵)

بدحجابی عامل شکست سپاه حضرت موسی

حضرت موسی در ادامه تلاشهای خود در مقابل خودکامگی ستمگران، برای نجات ملت ابطاکیه سیاهی به فرماندهی بوشع و کالب تشکیل داد و رهسپار ابطاکیه کرد. عده ای از مردم غفلت زده ابطاکیه قریب "بلعم یاغور" دانشمند که اسم اعظم را می دانست، بخوردند و از او خواستند تا موسی (ع) او سیاهش را نفرین کند و او نیز از روی هواپرستی سوار بر الاغ خود شد تا به سر کوهی که مشرف به سیاه بود رفته آنها را نفرین کند. در راه الاغش از حرکت ایستاد و هر چه کرد الاغ پیش نرفت. آنقدر با ضربات تازیانه اش آنرا زد که کشته شد و رهاش کرد و پیاده به بالای کوه رفت ولی اسم اعظم را فراموش کرد و شایستگی استجاب دعا از او گرفته شد و چون تیزش به هدف نخورده بود و سرخورده شده بود سخت مغلوب هوای نفس خود شد و برای سر کوبی سیاه به مردم ابطاکیه پیشنهاد کرد که: مردم ابطاکیه از راه اشاعه فحشا و انحراف جنسی و برداشتن پوشش و حجاب از زنان و دختران وارد عمل گردند، دختران و زنان زیبا چهره و خوش اندام را با وسایل آرایش بیارایند و آنها را همراه اجناس مورد نیاز به عنوان خرید و فروش وارد سیاه موسی کنند و سفارش کرد که هرگاه کسی از سربازان موسی خواست قصد سوء با آن دختران و زنها کند مانع او نشوند طولی نکشید که سیاه با نگاه های هوس آلود خود بر پیکر نیمه عربیان زنان آرایش کرده کم کم در پرتگاه انحراف جنسی قرار گرفتند. کار رسوایی به اینجا کشید که: رئیس یک قسمت از سیاه موسی زنی را به حضور حضرت موسی آورد و گفت: خیال می کنم نظر شما این است که همبستر شدن با این زن حرام است بخدا سوگند هرگز دستور ترا اجرا نخواهم کرد. آن زن را به خیمه برد و با او آمیزش نمود.

کم کم بر اثر شهوت پرستی ازاده ها سست شد بیماری های مقاربتی و طاعون زیاد گردید و سرانجام لشکر موسی از هم پاشید.

(بخار الاوتار ج ۱ ص ۲۲۴، حجاب در ادیان الهی، عباس حمزه، ص ۱۲۱ و ۱۲۲: حجاب آزادی یا اسارت، ص ۱۸۱)



پوشش در آیین مسیح

مسیحیت نه تنها احکام سخت شریعت یهود در مورد حجاب زنان را استمرار بخشیده بلکه در برخی موارد آن را تشدید نمود. انجیل نه تنها در مواضع متعدد وجوب حجاب و پوشش را تذکر داده است بلکه در برخی از آیات خود کوشیده است درون را از تمایل به اعمال شهوانی منزه سازد و بدین وسیله عفاف درون را پشتوانه مستحکم حجاب برون قرار دهد.

جرجی زیمان دانشمند مسیحی می گوید: اگر مقصود از حجاب پوشانیدن تن و بدن است این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح معمول بوده است و دیانت مسیح هم تغییری در آن نداد و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده است و آثار آن هنوز در خود اروپا باقی مانده است.

در کتاب مقدس مسیحیان به طور صریح آیاتی درباره لزوم عفت و خانم نشینی، آراستگی زن به وسیله حیا، پرهیز از آرایش با زیورآلات و بافتن موی، همچنین وجوب پوشاندن موی سر بویژه در مراسم عبادی، سکوت در کلیسا و داشتن وقار آمده است. (حجاب و ادیان الهی محمد علی آشتی، ص ۱۱۲ و ۱۱۳)



نقاشی یک خانم مسن مربوط به حدود سال ۱۴۷۰-۱۴۷۵م
نقاشی منتخب از موزه لوور



یکی از بانوان مقدس در نزد مسیحیان به نام ماریا همان طور که ملاحظه می شود بانوان مقدس در نزد مسیحیان دارای حجاب و پوشش کامل می باشند

لزوم عفت و خانه نشینی

در جای دیگری از کتاب مقدس آمده :

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو • که مردان پیر هوشیار و با وقار و خرداندیش و در ایمان و محبت و صبر صحیح باشند • همچنین زنان پیر در سیرت متقی باشند • تا زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند • و خرد اندیش و عقیقه و خانه نشین و نیکو و مطیع شوهران خود که میباید کلام خدا متهم شود •

(انجیل، رساله پولیس بیتیس، باب دوم، فقره ۶-۱)

لزوم آراستگی به حیا، و پرهیز از آرایش ظاهری بدن

در کتاب مقدس چنین آمده است:

و همچنین زنان، خویشان را بیارایند به لباس مزین به حیا و پرهیز، نه به زلف ها و طلا و مروارید و رخت گران بها • زن با سکوت به کمال اطاعت تعلیم گیرد • و زن را اجازت نمی دهیم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند •

(انجیل رساله پولیس به تیمونائوس، باب دوم، فقره ۹-۱۵)

در انجیل آمده است:

ای زنان، شما را زینت ظاهری نباشد از بافتن موی و متحلی شدن به طلا و پوشیدن لباس • بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد روح حلیم و آرام که نزد خدا گرانبهاتر • زیرا بدین گونه زنان مقدسه در ساق نیز که متوکل به خدا بودند خویشان را زینت می نمودند و شوهران خود را اطاعت می کردند مانند ساره که ابراهیم را مطیع می بود و او را آقا می خواند و شما دختران او شده اید •

(انجیل، رساله پطرس رسول، باب سوم، فقره ۶-۱)



زن اومنی از خراسان تا بختیاری
الو: هانری رنه دالماتی



راهبه های قرن ۱۹



لزوم پوشاندن موی سر بویژه در مراسم عبادی

در کتاب مقدس چنین می خوانیم:

اما هر زنی که سر برهنه دعا و نیوت کند، سر خود را رسوا می سازد. زن می باید عزتی بر سر داشته باشد به سبب فرشتگان * در دل خود انصاف دهید آیا شایسته است که زن ناپوشیده نزد خدا دعا کند * آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی دراز دارد او را عار می باشد * و اگر زن موی دراز دارد او را فخر است زیرا که موی به جهت پرده بدو داده شد * و اگر کسی ستیزه گر باشد ما و کلیساهای خدا را چنین عادت نیست.

(انجیل، رساله اول پولس رسول به قرتیان، باب یازدهم، فقره ۱-۱۷)

رسم پوشاندن موی سر در کلیساها، که در همین اواخر کلیسای کاتولیک رم آن را منسوخ اعلام کرد! در نامه ی پولس رسول تأیید می شود. مسیحیان غیر کلیمی، نیاز به آموزشی داشتند که برای کلیعیان مسیحی شده لازم بود اینکه: برای زنان شرم آور است که باسر برهنه در جاهای عمومی ظاهر شوند در فرهنگ غیر روحانی مغرب زمین، پوشاندن مو نشانه ای از فروتنی و پاکدامنی شمرده می شد. تاج گیسوان یک زن، هنگامی که پنهان بود، سبب برانگیختن خواهش مردان نمی شد. پوشش گیسوی زنان، این معنای آشکار را می رساند که او زیبایی اش را تنها برای چشمهای همسرش نگه می دارد. هنگامی که زنی "حجاب برمی گرد" و راهبه می شد، کلاه راهبگی و موهایی کوتاه شده ی زیر آن، نشانه ی چشم پوشی او از جهان و فلا کردن زیبایی اش بود. (اعمال رسولان باب هجدهم، آیه ۱۸؛ میرچا الیاده، فرهنگ و دین، ص ۴۹۰؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۷۴ و ۱۷۵)

در انجیل می خوانیم:

و به همین گونه زنان نیز باید با وقار باشند و نه غیبت گو بلکه هوشیار و در هر امری امین *

(انجیل، رساله پولیس رسول به تیموناس باب سوم، فقره ۱۱)

دستورات دینی پاپ ها و کاردینال های مسیحی

دکتر حکیم الهی استاد دانشگاه لندن در کتاب "زن و آزادی" پس از تشریح وضعیت زن نزد اروپائیان، در مورد حکم پوشش و حجاب زن نزد مسیحیت می گوید:

"شبه ای از عقاید کلنمنت (clement) ترویلیان (tertullian) دو مرجع مسیحیت و اسقف بزرگ را فقط نقل می کنیم:

زن باید کاملاً در حجاب و پوشیده باشد الا آن که در خانه ی خود باشد زیرا فقط لباسی که او را می پوشاند، می تواند از خیره شدن چشمها به سوی او مانع گردد. زن نباید صورت خود را عریان ارائه دهد تا دیگری را یا نگاه کردن به صورتش وادار به گناه نماید.

برای زن مومن عیسوی در نظر خداوند پسندیده نیست که به زیور آراسته گردد و حتی زیبایی طبیعی او باید با اختفا و فراموشی آن باز بین برده شود زیرا برای بینندگان خطرناک است.

تزیین موی سر و آرایش آن و تنظیم آنها در آئینه فقط از خصوصیات زنانه است که شرم و حیا را از دست داده اند. ای زن قیافه و صورت خود را آرایش و تغییر مده و سرت را زینت میند و ساده باش.

روحانیون مسیحی، زنان را برای خدمت کردن در کلیسا و اختیار نمودن تجرد و زهدیت تشویق می کردند و آنان را به عروس مسیح شدن بشارت می دادند!

لانتکلون دوپس در این باره می نویسد:

"به این عروسان مسیح چنین تعلیم داده می شد که چشم به چیزی تحریک کننده نندوزید و چشم را در بجه ی گناه به حساب آورید چه گناهان که از در بجه به آدمی رو می آورند.

ای عروس مسیح! خداوند می فرماید بجه را ببوشانید و اگر حیوانی درون چاه فرو افتاد وای به حال کسی که چاه را در راه او گشوده است. صورت زن نیز حکم همان چاه را دارد و همان گونه گردن و بازوان و سینه ی او مگر به مرد نشان داده شود، مردی که در این چاه بیافتد در روز قیامت محکوم است و زن محکوم تر..." (دکتر حکیم الهی، زن و آزادی، ص ۶۴ و ۶۵؛ حجاب در ادیان الهی، ص ۱۷۷)



راهبه های آگوستین



راهبه های دوستکن



راهبه های ارسلین



راهبه های بندیکتین



نهی از نگاه ناپاک به بیگانگان

کتاب مقدس چنین می فرماید:

ششیده اید که به اولین گفته شده است زنا مکن * لیکن من به شما می گویم هر کسی به زنی نظر شهوت اندازد همان دم، در دل خود با او زنا کرده است * پس اگر چشم راست تو را بلغزند قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت تباه گردد از آن که تمام بدنت در جهنم افکنده شود * (انجیل متی، باب اول، فقره ۲۸-۳۰)

در انجیل برنابا نگاه به زنان، گناهی شمرده شده است که یاد آن موجب شرم است: پس حالا آن کسی که به زنان نظر می کند و فراموش می کند خدایی را که زن را برای خیر انسان آفریده او را دوست داشته و خواستار او شده * و این شهوت او به جایی رسیده که دوست می دارد با او هر چیزی را که شبیه است به آن چیز محبوب، پس ناشی می شود از آن گناهی که از یاد نمودن آن شرم می آید * پس چون انسان به چشمهای خود لجابی نهد آقای حس می شود * که نمی خواهد آنچه را اقدام بر آن ندارد و این چنین جسد زیر فرمان روح می آید پس چنانچه کشتی بدون یاد حرکت نمی کند جسم هم نمی تواند بدون حس گناه کند (انجیل برنابا، فصل ۱۱۹، فقره ۵-۹)

در روایاتی که از اهل بیت عصمت نقل شده است می خوانیم که حضرت عیسی فرموده اند: از نگاه کردن به زنان بیرهیزید زیرا شهوت را در قلب می رویند و همین برای ایجاد فتنه برای نگاه کننده کافی است (سقینه البحار، ج ۱، ص ۹۶، ماده نظر)

دکتر صادقی در کتاب «فتیانتا» در ذیل عنوان «حضرت مسیح و حجاب» پس از نقل آیات «انجیل متی» مبنی بر وجوب پرهیز از نگاه شهوت انگیز، می گویند:

و این چنین حضرت مسیح را می بینم که همانند انبیای دیگر چگونه (یا چه شدتی) از نگاه های لغزش آور نهی می کند. آیا امکان دارد چنین حکمی (حرمت نظر) یا تسامح در پوشش زنان، بلکه با بی بند و باری آنان همانند امروز تطبیق داده شود؟ (دکتر شیخ محمد صادقی، فتیانتا (دارالمهاجر)، ص ۴)

سیره عملی زنان مسیحی

طبق متون تاریخی دربر کردن چادر و پوشاندن چهره از طرف زنان مسیحی یکی از ارکان اخلاقی مذهب محسوب می شد و زنان مسیحی نه تنها از رعایت آن سرباز نمی زدند بلکه وضع به گونه ای بوده است که حتی تصور نمی کردند می توان آن را کنار گذاشت... تنها کاری که برخی از زنان مسیحی انجام می دادند، آن بود که روپندهای خود را تزیین می نمودند که آن هم از طرف بزرگان دین به شدت تقیح و مورد شتمانت قرار می گرفت (حجاب آزادی یا اسارت، ص ۳۹)

زنان فقط در صورتی خویشان و دوستان خود را ملاقات کنند و در جشن های مذهبی و تماشای خانه حضور یابند که کاملاً در حجاب و تحت مراقبت باشند. در مواقع دیگر باید در خانه بمانند و نگذارند که کسی از درون پنجره به آنان نظر اندازد. بیشتر عمر آنان در حرمرایی که در عقب خانه است می گذرد هیچ مردی حق ورود به آنجا را ندارد. زنان باید وقتی که شوهرانشان مهمان دارند از ظاهر شدن خودداری کنند (علی محمدی آشنایی، حجاب در ادیان الهی (قم: یاقوت، ۱۳۷۸) ص ۱۸۳-۱۸۵: حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۹)

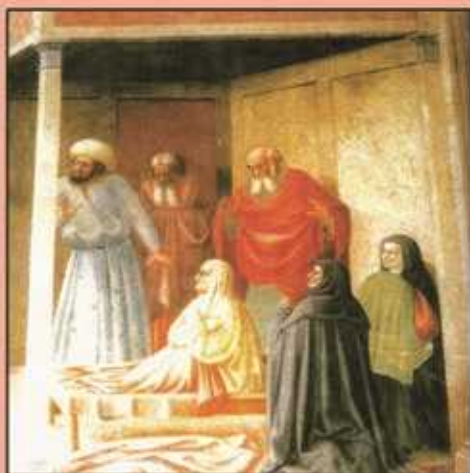
ویل دورانت در مورد عرف و عادت و دوری از هر گونه اختلاط زن و مرد در میان مسیحیان می نویسد: در کلیسای یونانی و گاهی هم در کلیسای لاتین مرسوم بود که حین اجرای این آداب (مذهبی) افراد ذکور و اثاث هر کدام در جایی مجزا سکون کنند. (ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۳۲۸: حجاب آزادی یا اسارت، ص ۵۰)

لاروس در ذیل کلمه ی «خمار» می گویند:

زن یونانی وقتی از خانه بیرون می رفت خمار داشت. با آن مانند بانوان امروزی شرق صورت خود را می پوشاند. دین مسیحی برای زن خمار را باقی نهاد ثوقتی وارد اروپا شد آن را نیکو شمرد. زنهار که کوچه و وقت نماز خمار داشتند. در قرون وسطی خصوصاً قرن نهم، خمار رواج داشت. آستین خمار شانه ی زن را پوشیده و اندازه آن تقریباً به زمین می رسید این عادت تا قرن سیزدهم باقی بود (احمد مهذب، زن و آزادی، ص ۶۵: حجاب در ادیان الهی، علی محمدی آشنایی (قم: یاقوت، ۱۳۷۸) ص ۱۸۱: حجاب آزادی یا اسارت ص ۴۹)

ویل دورانت می گویند: به حکم سنای ونیس، آخرین روز قبل از ایام صوم عیسویان، تعطیلی عمومی محسوب می گردید، در این قبیل اعیاد افراد اعم از ذکور و اثاث خود را با فاخر ترین جامه ها و گرانبهاترین ملبوسات می آراستند. خانوان های اعیان نیم تاج هایی مزین به جواهرات یا دستارهایی از پارچه زربفت بر سر می نهادند، چشمان آنها از ورای روپنده هایی از طلا یا پیچیه هایی از تارهای نقره برق می زد. زنان همیشه آزادانه در ملا عام رفت و آمد می کردند و با فریبنده گی توأم با حجب در مجالس انس و گردش های دور از اغیار شرکت می جستند.

(ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۲۵۱: حجاب آزادی یا اسارت، ص ۴۶)



تلفن مغرب زمین - ج ۱ تألیف اشینگل فوگل
ترجمه: محمد حسین آریا
انتشارات امیر کبیر چاپ اول ۱۳۸۰، فصل ۱۲

■ تصاویر حضرت مریم قبل از رنسانس



تصویر حضرت مریم
در ملاقات با جبرئیل
(روح القدس) قرن ۱۲

حضرت مریم و عیسی
و دو فرشته در بالای آنها
مربوط به قرن ۱۳ م



■ تصویر زمینه مجسمه حضرت مریم (س) قرن ۱۰ م



▲ عده ای از پائوان ارمنی
پیرامون شهر استهبان

زن ارمنی در بصره
▼ سفرنامه (دوره قاجار) اثر دیولافوا



زنان ارمنی در لباس مهمانی
هائری رنه دالمانی
سفرنامه از خراسان تا بختیاری

زنان ارمنی، سفرنامه از خراسان تا بختیاری
▼ "دوره قاجار" اثر هائری رنه دالمانی



زن ارمنی
▲ سفرنامه (دوره قاجار) اثر دیولافوا



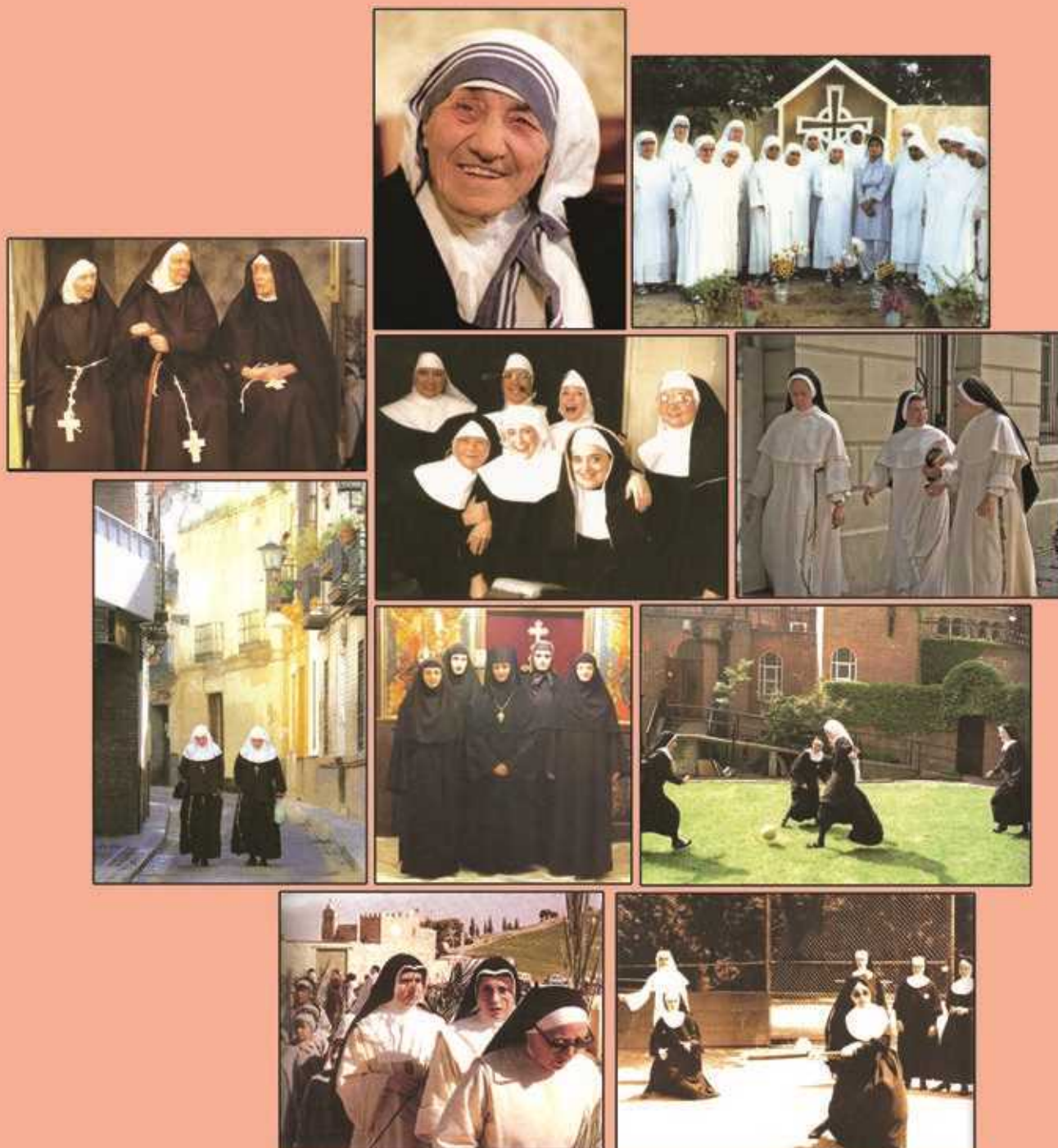


حضرت مریم (س) و سایر زنان پیرو عیسی (ع) در کنار صلیب او (به زعم مسیحیان) مربوط به قرن ۱۵



تصویر حضرت مریم و فرزندش عیسی (ع) و فرشتگان پیرامون آنها قرن ۱۶م





عفاف در اسلام

پوشش و عفاف در قرآن

■ مروری گذرا بر مسأله «لباس و پوشش» در قرآن

ابتدا سیری بر مسأله پوشش و فلسفه آن خواهیم داشت، سپس مسأله عفاف را که یکی از ابعاد آن پوشش است، مورد توجه قرار می دهیم.

■ قرآن کریم برای لباس و پوشش، اهداف ذیل را بیان می نماید:

۱. پوشاننده عورت و زشتیها و فضاخ: «پواری سواتکم» (اعراف / ۲۶)
سواء جمع سوءة عبارت است از چیزی که ظهورش ناپسند است (قاموس قرآن به نقل از (المنازل، ج ۳ / ص ۲۸۴) و آنچه انسان از ظهورش کراهت دارد (المیزان / ج ۵ / ص ۳۱۲) و کتابه از فروج (مفردات / ۲۵۳) و زشتیها (اقراب الموارد / ج ۱ / ۵۹۳)
۲. زینت و زیبایی و وسیله حسن حال و پیشرفت: «ریش»: (اعراف / ۲۶) اصل ریش مجموع پر پرندگان است که پوشش و لباس بدن آنهاست (مونات / ۲۱۴) پری که به انتهای تیر می بندند که به سرعت سیر آن کمک می کند، ریش نام دارد. (لسان العرب / ج ۵ / ۳۸۸) آقای مصطفوی معتقد است ریش وسیله ای است که به وسیله آن بلندی و پیشرفت حاصل می شود مثل پر پرواز پرندگان. این غلو و ترقی می تواند مادی یا معنوی و روحانی باشد (التحقیق / ج ۴ / ۲۵۴)

حفظ و نگهداری از گرما و سرما: «تقیکم الحر» نحل / ۸۱

با پوشیدن لباس بدن و پوست از گرما و به تبع آن از سرما محافظت می شود و لباس چون سبزی بدن را از سوزش سرما و گرما حفظ می کند.

۳. محافظ بدن از صدمه های جنگ و یلایا و سختی ها و خطرات: «تقیکم یاسکم» (نحل / ۸۱) «و علمناه صینه لیوس لکم لتحصنکم من یاسکم» (انبیاء / ۸۰)
- این پوشش شامل زره و لباسهای محافظ امروزی در برابر خطرات شیمیایی و هسته ای نیز می شود.

از همان ابتدای خلقت و در داستان حضرت آدم (علیه السلام) پوشش و تمایل بشر به پوشانیدن عورت خود، از سوی قرآن کریم، مورد اشاره قرار گرفته است، از آنجا که این بیان در قرآن کریم، تکرار شده است، ذهن متوجه اهمیت خاص آن می شود.

سیر طرح مسأله در قرآن کریم به این شکل است:

الف) در ۴ موضع به مسأله آشکار شدن سوا، بر اثر خوردن ممنوعه اشاره شده است یعنی آدم و حوا با خوردن میوه ممنوع متوجه عیوب و عورات خود شدند: (طه / ۱۲۱، اعراف / ۲۰، اعراف / ۲۲، اعراف / ۲۷)

در آیه ۲۷ اعراف ضمن اینکه بر کنده شدن و جنا شدن لباس آدم و حوا، دلیل آشکار شدن فضاخ آنان خوانده شده، این عمل به شیطان نسبت داده شده است.

ب) در دو موضع به مسأله اقدام آدم و حوا برای پوشانیدن خود بوسیله برگهای بهشتی اشاره شده است: (اعراف / ۲۲ و طه / ۱۲۱)

«و طلقا یخصفان علیهما من ورق الجنة»: الصاق و لطایق یعنی بر هم نهادن و چسباندن، یعنی برگها را یک به یک بر بدن خود چسباندند و روی هم گذارند تا عورتشان دیده نشود: (اقراب الموارد / ج ۱ / ۳۲۱)

درسی را که خداوند خود از این ماجرا برای ما بیان می کند، طی دو آیه بیان شده است: «یا بنی آدم قد اتزلنا علیکم لباسا یواری سواتکم و ریشا و لباس التقوی ذلک خیر ذلک من آیات الله لعالم یدکرون»

«یا بنی آدم لا یفتنکم الشیطان کما اخرج لوبیکم من الجنة یزنع عنهما لباسهما لیریهما سواتهما انه یریکم هو و قبیله من حیث لا ترونهم انا جعلنا الشیاطین اولیاء للذین لا یؤمنون» (۲۶ و ۲۷ اعراف)

ای فرزندان آدم، در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورتهای شما را می پوشاند و برای شما زینتی است، و بهترین جامه (لباس) تقواست. این از نشانه های (قدرت) خداست، باشد که متذکر شوند

ای فرزندان آدم، زنهار که شیطان شما را به فتنه اندازد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند و لباسشان را از ایشان برگرداند تا عورتهایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، شیطان و قبیله اش، شما را از آنجا که آنها را نمی بینید، می بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی آورند.

در این آیات قرآن از لباس تقوی نام می برد، مسلماً بهترین زینت معنوی انسان تقواست که سبب پیشرفت معنوی انسان می شود انسان را از گناه و سختی عذاب، محافظت می کند و عیوب و نقایص انسان در پوشش و حسن تقوا، پوشانیده می شود.

■ طرح عفاف و حجاب در قرآن کریم

عفاف و حجاب، در سوره نور و احزاب در قرآن کریم مطرح شده است. اجمالاً می توان گفت: که در سوره نور احکام حجاب و عفاف به طور کامل در ابعاد فردی و اجتماعی مطرح شده است و در سوره احزاب یکی از مصادیق آن، یعنی مصداق اجتماعی آن و جایگاه اجتماعی و سیاسی زن، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در سوره نور از ابتدا تا انتها در رابطه با مسأله عفاف چنین سیری را مشاهده می کنیم:

۱. ابتدا احکام مرد و زن زنکار بیان می شود. (آیه ۲ و ۳)

- تأزبان برای زنکاران

- عدم جواز از دواج با افراد زنکار

۲. حکم قذف (تهمت زدن به زن پاکدامن) بیان می شود. (آیه ۴ و ۵ و ۲۳ و ۲۴)

۱۴. جواز رفع حجاب برای زنان بازنشته (پاتسه) در صورت خودنمایی و
نیت کردن: (آیه ۶۰)